

تشدید درگیری‌ها در درون حکومت فقها

کاندیدی‌ای به خصوصی حمایت کنند، و نیز آخوندهای یک شهر نباید برای شهر دیگری نامزد معرفی کنند. این فتوای خمینی را رقبای "روحانیت مبارز" علم کردند تا هرگونه فعالیت انتخاباتی چنین گروهایی را از پیش نقش فرمان خمینی قلمداد کنند. اما جناح مقابل بیکار ننشست. محمدیودی از رهبران جناح "فقه سنتی" جریان ملاقات مهدوی‌کنی دوست هم جناحش را با خمینی چنین نقل کرد که خمینی گفته است: "روحانیون... حتی بایست از وظایف شرعی خودشان کنار باشند... مسئله انتخابات یکی از بقیه در صفحه ۲

مدتی است در هفته‌های گذشته، دور جدیدی از تشدید درگیری‌های درون رژیم جمهوری اسلامی آغاز شده است. اگر چنانچه ولایت پسر اصحاب حزب الله نباشد، آنان همچون کرگ همدیگر را خواهند دید؛ پرونده‌ساوی، توطئه‌چینی، باندباوی و افشاکری شیوه‌های بسیار متداولی است که دو گروه یغدی عده درون رژیم چول و چفایت، با آن می‌خواهند مواضع قدرت را اودست هم بریاهند. عرصه‌ای از بروز جنگ قدرت انتخابات دورسوم مجلس آخوندی است. خمینی فتواداده است آخوندهای نماینده خودش و ائمه جمعه، نباید از

اکثريت

نریه سازمان فدایان خلق ایران (اکثريت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۴ دی ۱۳۶۶ - برابر ۴ ژانویه ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۸۹

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) پیروزی با قیام حماسه آفرین خلق فلسطین در مناطق اشغالی

در صفحه ۲

فلسطین اشغالی: مبارزه ادامه دارد

امنیتی را دو برابر کرده‌اند. اردوگاههای آوارگان در محاصره کامل است. پیش از ظهر در اردوگاهی در نابلس و بعد از ظهر در اردوگاهی در شوار غزه خیزش صورت گرفت؛ سنگ و چوب در برابر زره‌پوش و گاز اشک‌آور و مسلسل در شرق

آغاز سال شوی میلادی، اول ژانویه که مصادف با سالروز بنیانگذاری "الفتح" نخستین سازمان یهریکی فلسطینی است، نیروهای امنیتی اسرائیل به حالت آماده‌باش کامل درآمده‌اند. در تمامی نقاط اصلی شواحی اشغال شده زره‌پوش مستقر شده است. در اردن شربی شمار نیروهای



شوار غزه - صحنه پرشکوهی از یک قیام توده‌ای

درماندگی در ادامه جنگ در رسانه‌های رژیم بازتاب می‌یابد

* کیهان: "بعد از فتح خرمشهر با تعویض تاکتیک دشمن ما به عدم الفتح‌های متعدد رسیدیم"

العیین و فتح خرمشهر نیست که با کردآوری یک سری از نیروها، فتحی بیافرینیم. بعد از فتح خرمشهر با تعویض تاکتیک دشمن، ما به عدم الفتح‌های متعدد رسیدیم... "اعتراف به "عدم الفتح‌های متعدد" تجلی‌گر عمق درماندگی رژیم در پیشبرد امر جنگ است. رژیم در پیشبرد امر جنگ، درمانده است، اما سودبری از جنگ و هیستری کشتار و جنگ طلبی در مجموعه رژیم همچنان باقی است. در چنین فضائی، هاشمی رفسنجانی در مصاحبه اختصاصی خود با روزنامه کیهان - ۲۴ آذرماه - از "استراتژی جدید" جنگی سخن می‌گوید. رفسنجانی اعلام کرده است "استراتژی جدید این است که وقتی مصلحت دیدیم و زمان مناسب را بدست آوردیم حمله را شروع می‌کنیم و هنگامی که حمله را شروع کردیم بگونه‌ای خواهد بود که بتوانیم سلسله تهاجمات را بدون اینکه قطع کنیم ادامه دهیم. سیاسی بقیه در صفحه ۶

رژیم به گونه‌ای دم افزون ناتوان و درمانده‌تر از پیش ارباب جنگی خویش رابه گردش درمی‌آورد. مردم کشور در کنار تبلیغات گسترده رژیم، با خیل اجساد و ویرانه‌های برجای مانده‌ای روبرو هستند که آشکارا ناتوانی و شکست را گواهی می‌دهند. رژیم حتی با تبلیغات لجام‌کسیخته، نیز قادر نیست شکستهای متوالی را اودیده‌ها، دور و پوشیده بدارد. در چنین فضائی، کیهان ۱۷ آبانماه به نقل از کنکره سیاسی - اجتماعی اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور، برای نخستین بار به وجود شکستهای مهلک و ویرانگر اعتراف می‌کند. روزنامه رسالت ۲۸ آبانماه در مقاله‌ای به امضای بخش سیاسی داخلی، ضمن نقل موضوع، بشدت به مقابله با مفاد آن برخاسته و آثرا ضديت با مصالح عمومی رژیم اعلام کرده است. در کیهان ۱۸ آبانماه، آمده بود: "امروز دیگر زمان فتح

انتخابات مجلس، عرصه‌ای از جنگ قدرت

انتخابات، از مشاغل خود استعفا بدمند. رسالت ۲۶ آذر در این باره نوشته است: "بر اساس قانون گروهی از شخصیتها الزاما باید دو ماه قبل از نام‌نویسی از شغل خود استعفا کنند و از آن هنگام در مسئولیت خود شاغل نباشند." بنابراین قانون، داوطلبین انتخاب در مجلس نباید از ۱۹ دیماه از مشاغل خود کناره‌گیری کنند. این قانون درباره ائمه جمعه، ۲ ماه را پیش‌بینی کرده است، بدین قرار که ائمه جمعه باید سه ماه قبل از انتخابات از مسئولیت خود استعفا بدهند، یعنی ۱۹ آذرماه. نکته جالب توجه اینجاست که کیهان ۲۶ آذرماه اعلام کرد که مهلت نام‌نویسی ائمه جمعه - با احتساب استعفا به‌عنوان پیش‌شرط آن - در روز ۱۹ آذرماه بسر رسیده است. مجلس شورای اسلامی نیز برای اینکه کار را تمام کند روز ۲۹ آذر ماه با تصویب دوفوریت طرحی، اعلام کرد که کسانی

شعله‌های جنگ قدرت در حاکمیت و بانه می‌کشد. نزدیک شدن موعد انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی فیض بر آن همه می‌نهد. طبق معمول و بی‌فراوان محدود شده سابق، انتخابات دوره سوم، زمینه‌ساز خود افشاکری وسیع رژیم گردیده و نمایندگان علیه نمایندگان و جفاها علیه نمایندگان جناح رقیب‌ها به میدان نهاده‌اند. بخش "پرونده‌های" قدیمی اویستوهای جنگ مخفی به جریان افتاده و در رسانه‌ها بازتاب یافته‌اند. وزارت کشور جمهوری اسلامی ۱۹ فروردین را به‌عنوان روز انتخابات دوره سوم مجلس تعیین کرده است. محتشمی وزیر کشور رژیم، اعلام کرد که نام‌نویسی کاندیدها از یک ماه قبل از انتخابات یعنی ۱۹ اسفندماه آغاز خواهد شد. بر اساس "قانون" صاحب منصبین طراز نخست دستگاه حکومتی، همراه با قافله دست‌اندرکاران، لزوما باید ۲ ماه قبل از

از رویدادهای ایران

- آغاز بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۶۷ در مجلس
- اعتراض وزارت امور خارجه شوروی به دولت ایران
- شعله‌های جنگ اینچا و آنچا زبانه می‌کشد
- تجدید معاملات شرکت‌های نفتی فرانسوی با ایران

در صفحه ۴

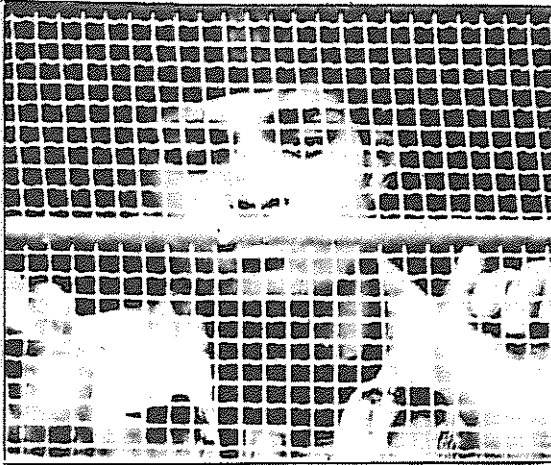
فلسطین اشغالی: مبارزه ادامه دارد

بقیه از صفحه اول

همه جا تانک و زره پوش زیارت کردند.

دستگیری جوانان فلسطینی همچنان ادامه دارد. از آغاز قیام غزه تا پایان سال میلادی ۱۸۲۰ نفر دستگیر شدند. ۸۰۰ نفر از آنان رادر برابر دادگاه قرار داده اند؛ برای عده ای حبس بریده اند؛ دوازده سال زندان در داخل یک زندان بزرگتر، نظاهرات پیاپی در نوار غزه توجه افکار عمومی جهان را به خود جلب کرد. شورای امنیت سرکوب فلسطینی ها را تقبیح نمود. آمریکا به رای تقبیح اسرائیل کردن ننهاد. رای آمریکا منتعج بود.

از قیام غزه و از اعتصاب عمومی اعراب ساکن اسرائیل به عنوان یک نقطه عطف یاد می شود. این حرکت در بیست ساله گذشته بی نظیر بوده است. حرکت ادامه خواهد یافت. حتی مقامات اسرائیلی نیز چنین پیش بینی می کنند.



نابلس، کرانه غربی - یک جوان فلسطینی که اخیراً دستگیر شده است. در هفته های اخیر قریب به ۲۰۰۰ نفر همچون او به زندان افکنده شدند.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیروزی باد قیام حماسه آفرین خلق فلسطین در مناطق اشغالی

مستند. بشریت مترقی و افکار عمومی جهان، به حق افکار فایده پر خلق محروم و ستمدیده فلسطین در برخورداری از کشور مستقل و حاکمیت ملی و مستقل، مهر تأیید می گویند.

در چنین شرایط حساسی، رژیم ریاکار خمینی با راه انداختن چار و چنگال به اصطلاح پشتیبانی از مسلمانان سرزمین فلسطین در صدد برآمده است تا با تشدید سیاست تفرقه افکنانه خود در قبال جنبش خلق فلسطین، به اهداف پلید توسعه طلبانه و پان اسلامیتی اش دست یابد. رژیم جنگ افروز خمینی با ادامه دادن به جنگ ایران و عراق که خواست آمریکا و مطلوب صهیونیست هاست، در عمل به اجرای نقشه های آمریکادار منطقه و منطقه های خونبار صهیونیست ها علیه فلسطینی ها و اعراب کمک کرده است.

رژیم ولایت فقیه که در چند سال گذشته، با خریدهای کلان اسلحه از اسرائیل، به کیسه این دولت متجاوز پول فراوان ریخته و آن را در غارت ثروت میهن ما و بر ضد محرومان فلسطینی شریک کرده است با تشدید سیاست تفرقه جویانه و درپیش گرفتن جنگ روانی و ایدئولوژیک علیه نیروهای ترقی خواه فلسطین و با حمله شاجوانمردانه به سازمان های انقلابی خلق فلسطین آب به آسیاب صهیونیست ها می ریخته. رژیم خمینی در گذشته و حال عملاً کمک رسان اشغالگران خونخوار و عملاً علیه مبارزه و آرمان فلسطین بوده و همچنان نیز هست.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، شما را به گسترش حمایت هر چه بیشتر از مبارزه عادلانه خلق فلسطین به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، فرا می خواند. با افشای هر گونه تلاشهای تفرقه افکنانه رژیم خمینی در جنبش منی و دمکراتیک خلق فلسطین سیاستهای ارتجاعی و توسعه طلبانه آنرا اناکام بکند. با تشدید مبارزه علیه رژیم جنگ افروز خمینی و برای قطع جنگ خانمانسوز هفت ساله که به خواست فوری همه جلقهای ستمدیده بدل شده است، توطئه های آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی را نقش بر آب کنید. پیروزی از آن خلق قهرمان فلسطین است.

کوتاه باد دستان خون آلود صهیونیستها و سرزمین فلسطین!

پیروزی باد مبارزه و آرمان به حق خلق فلسطین!

هر چه مستحکم تر باد پیوند استوار دوستی میان خلق ایران و خلق فلسطین

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۳۶۶/۱/۱

مومنان!

نزدیک به دو هفته است که خیزش یکپارچه و بیکیفر خلق قهرمان فلسطین علیه صهیونیستهای ددمش اسرائیل ادامه دارد. در طول این مدت، سرکوب و حشیانه اعتصابات و تظاهرات در شوارغوه، کرافه غربی رود اردن، بلندی های جولان و دیگر نقاط تحت اشغال صهیونیستها اسرائیلی بی وقفه تداوم یافته است. طی روهای گذشته، دهها نفر بر اثر قطار مسلسلها در خیابانها و زیر شکنجه های حیوانی در بازداشتگاهها به شهادت رسیده اند. هزاران نفر بازداشت شده و سراسر مناطق اشغالی به حال تعطیل درآمده است. سرکوبگران صهیونیستی با یورش خونین و ناجوانمردانه به چند اردوگاه فلسطینی، جرقه خشم ساکنان آنها را به حریق بزرگ همه خلق به پا جاست بدل کردند. تشدید لحظه به لحظه گلوله باران مردم بی دفاع سرزمین های اشغالی و حمله وحشیانه به جنوب لیفان، منجر به استوارتر شدن هر چه بیشتر عزم مبارزان فلسطینی در ادامه مقاومت بر حقشان گردیده است.

رژیم صهیونیستی اسرائیل با اعتقاد قرارداد جدید نظامی و دریافت سلاح های مدرن از حامی اصلی خود، امپریالیسم آمریکا، در شرایطی کشتار اهالی بی سلاح سرزمین های اشغالی را به راه انداخته است که تلاش های امیدبخشی در راه تشکیل کنفرانس بین المللی صلح برای حل مسئله فلسطین و تجاوز میانه با شرکت سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی خلق فلسطین، به فرجام خود نزدیک تر شده است. اشغالگران اسرائیلی با ترس و وحشت در برگزاری چنین کنفرانس رهکشی بین المللی که یگانگی راه حل مسئله فلسطین به سود این خلق ستمدیده است، پایان سلطه جوشی ها و قلدری های خود و حامیان آمریکایی آنان رفیع دیرپاترین عامل تشنج در منطقه را می بیند.

مومنان!

موج نوین و کوبنده مقاومت خلق به پا خاسته فلسطین با حمایت عظیم و گسترده بشریت ترقی خواه در سراسر جهان روبرو شده است. خشم و نفرت از اعمال ضد انسانی صهیونیستها، سراسر جهان را فرا گرفته، فریاد اعتراض علیه فاشیست های اسرائیلی در پنج قاره جهان طنین انداخته است. جهانپیان خواهان قطع بی درنگ جغایتهای اخیر صهیونیستهای اسرائیلی و کوتاه شدن دستان متجاوز اشغالگران نژادپرست اوچان، مال، ناموس و سرزمین فلسطینی ها، برای همیشه

انتخابات مجلس...

بقیه از صفحه اول

که برای شرکت در انتخابات از کار خسرده استعفا کنند، به مدت چهار سال حق بازگشت به شغل قبلی را ندارند. روزنامه کیهان ۲۹ آذر ماه در این باره نوشت: "مجلس شورای اسلامی طرح ممنوعیت چهار ساله تصدی سمت قبلی یا سمتهای مشابه در حوزه انتخاباتیه را برای کسانی که به خاطر شرکت در انتخابات مجلس، استعفا می دهند، تصویب کرد."

چنین شد که خطرات کاندید شدن، "مشتاقان" را به وحشت انداخت و این خطر بطور اساسی کاندیداهای منفردی را که از "لیستهای" جناحی به دور خواهند ماند را تهدید کرد. رفسنجانی رئیس مجلس در مصاحبه ای با روزنامه کیهان ۲۴ آذرماه - از "منفردین" خواست تا خود را با صاحبان "لیستها" هماهنگ کرده و از آن طریق در انتخابات شرکت جویند.

"مبارزه انتخاباتی" جناح های رژیم به ویژه عرصه اظهار نظر در مورد مجلس فعلی را در بر می گیرد. در این راستا جناح ها، به بررسی مجلس دوم پرداخته و نظرات خود را درباره آن آشکارا تبلیغ می کنند. بطور مثال در چهارمین کنگره سیاسی - اجتماعی اتحادیه های انجمن اسلامی اعلام شد: "یک دسته (از نمایندگان) افرادی هستند که دارای بینش بوده و خط امامی و مستقل عمل می کنند. دسته دوم (از نمایندگان) کسانی هستند که آگاهانه تفکر دیگری دارند... و دسته سوم که تعدادشان نیز کم نیست... در مجلس موقعیت مستقلی ندارند و تابع اظهارات و جبر و قدرت می باشند." (کیهان ۱۷ آبان) روزنامه رسالت ۲۸ آبان در پاسخ به مطالب عطرخ شده در این کنگره، به دفاع از "حیثیت" نمایندگان دسته دوم و دسته سوم پرداخته و این تقسیم بندی را مخالف مصالح عمومی کشور اعلام کرد.

تا انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی مدت زیادی نمانده است. در طی این مدت پرونده های باز هم بیشتری رو خواهند شد و رژیم در اثر این تقابل درونی خود، به خود افشاکری باز هم وسیع تر دست خواهد زد. با نزدیک تر شدن زمان انتخابات، آتش تخصص درون حکومتی باز هم بیشتر زبانه خواهد کشید و برده های بیشتری فرو خواهد افتاد.

بقیه از صفحه اول

مسائل مهم کشور است، بعد سئوال می شود که به شکل شخصی است یا حتی عنوانی هم می تواند باشد، مثلاً در بعضی جاها عنوان روحانیت مبارز تهران... حضرت ایشان فرمودند که نه، شخص به جای خود و عنوان هم به جای خود، عناوین هم می توانند وظیفه شان را انجام بدهند." (رساله ۲۵ آذر) رفسنجانی هم در مصاحبه خود با کیهان (۲۴ آذر) تلویحاتاً تاکید کرد در انتخابات، مایند گلیشته "روحانیت... مثل یک حزب عمل می کند" اما به تشکلهای رقیب هم حق داد که اگر تلاش برای معرفی کاندید مشترک به ثمر نرسید، نامزد مستقل معرفی کنند.

بنا بر این به نظر می رسد این بار هم حضور دو جناح، به صورت رقابت انتخاباتی کاندیدهای آنها با و تآب خواهد یافت و از لیست مشترک جبری نخواهد بود.

دعواتها بر سر مجلس نیست. در رژیم آخوندی مراکز متعدد تصمیم گیری، لغو تصمیم ها و اعمال فشار وجود دارد. همه عناصر تشکیل دهنده قدرت به جز ولایت، در حرکت خود به مرزهای تنگی بر می خورند که وجود و عملکرد عناصر دیگر ایجاد می کند: شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس حق وتو دارد، در مقابل، دوسوم مجلس در صورت "تخصیص ضرورت" می تواند شورای نگهبان را دور بزند، اجرای همین مصوبات در دست وزارتخانه ها و ارگانهای اجرایی است که در هر پیچ و هر پست آن، وابستگان به جناح های مختلف لافه کرده اند، و با و متقابل "دولت خدمتگزار" بدون اجازه مجلس و شورای نگهبان (تا چه رسد به "امام") آب نمی خورد. خمینی هم به جز در موارد معدود، دست به این کلاف سردرگم نمی زند (و آیا می تواند بزند؟). یکی از این موارد معدود، سه فتوای خمینی بود که به دولت اختیار داد به نرخ گذاری در بازار کالاهای اساسی بپردازد، شرایط انعقاد قرارداد کار را تعیین کند و در چارچوب مالکیت دولتی، به استخراج معادن اقدام کند. جناح معتقد به تقویت "دولت اسلامی" که منافض با استفاده از اهرمهای دولتی برای غارتگری گره خورده است، این سه فتوا را به حساب پیروزی خود گذاشت

تشدید درگیری ها در درون حکومت فقها

و با تبلیغات گسترده، کوتید آن را تحت لوای "مستضعف شوازی" به خورد "امت حزب الله" بدهد. موسوی شخصت وزیر فتوای خمینی در مورد قانون کار را "کشایشی در قانونگذاری" خواند و رفسنجانی گفت: "البته نظرات امام را همیشه می دانستیم. نظرات امام همین هاست... کسانی که در مسائل مقداری خشکی می کنند نگران بعضی از تند رویها هستند و از این روستگیری می کنند." (کیهان ۲۴ آذر).

اما "فقه سختی" با این حرفها از میدان به در نمی رود. اگر جناح مقابل این سه فتوا را عمل می کند، آنها بی هم که مواضع مهمی مانند شورای نگهبان و دستگاه سختی آخوندها را در اختیار دارند، می گویند فقهای شورای نگهبان منصوب "امام" اند، "بازار اسلامی" یار و یاور خمینی بوده است...

اجتبیارات شورای نگهبان، همچون سابق موضوع کشمکشهاست. نمایندگان جناح "دولتی" در مجلس بارها از اینکه با وتوی فقهای منصوب خمینی، مصوبات آنها حکم کاغذ پاره را می یابد، کله گزاری کرده اند. یکی از آخرین نمونه های آن، سخنان درویش از این نمایندگان در کنگره "اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان" بود که در کیهان ۱۷ آبان به چاپ رسید. این دو تن به "مشکلات" در تصویب قوانین به علت ترکیب شورای نگهبان اشاره کرده و افزوده اند اگر فتاوی خمینی نبود، شورای نگهبان اجازه افزایش اختیارات دولت را نمی داد. در پاسخ به این موضع، "بخش سیاسی داخلی" روزنامه رسالت ارکان "فقه سختی" در شماره ۲۸ آبان نوشته است: "به نظر می رسد در اینجادیگر، اصل وجود شورای نگهبان برای نظر دادن در باره مصوبات مجلس مورد شک و تردید قرار می گیرد نه تنها افراد آن. حال شورای نگهبانی که طبق اصل ۹۲ مجلس شورای اسلامی بدون وجود آن اعتبار ندارد و طبق اصل ۹۱ به عنوان پاسدار از احکام اسلام و قانون اساسی معرفی شده... دیگر چه جای آن دارد که این همه مورد حمله و هجوم قرار گیرد."

نکته جدید در دور فعلی جنگ قدرت درون رژیم فقها، انعکاس درماندگی رژیم در جنگ و در سیاست خارجی در این درگیری هاست. در گذشته، جنگ

وسایست خارجی حریمی بود که به علت حساسیت آن، به علت مسئولیت مستقیم خمینی در تصمیم گیری پیرامون آن، بطور مستقیم در مناقشات مطرح نمی شد. کوچکترین "جسارت"ی در این زمینه مورد سرکوب قرار می گرفت که نمونه آن "فضولی" چند نماینده جناح "رساله" در مجلس در مورد سفر مک فارلین به تهران بود. خمینی در آن زمان سئوال کنندگان را به شدت "سراجی خردشان نشانند". اما اکنون درماندگی - به خصوص در جنگ - به حدی است که اعتراف به شکست نیز به عنوان حربه ای علیه جناح مقابل مورد استفاده قرار می گیرد. معاون سیاسی سپاه پاسداران در کنگره "اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان" گفت: "امروز دیگر زمان فتح المبین و فتح خرمشهر نیست که با گردآوری یک سری از نیروها فتحی بیافرینیم، بعد از فتح خرمشهر به عدم الفتح های متعدد رسیدیم." (کیهان ۱۷ آبان) سایر سخنرانان در این کنگره نیز به سیاست جنگی و خارجی رژیم انتقاداتی کرده اند. البته همه عناصر، وابسته به هر جناحی که باشند، در هر سخنرانی و هر موضعگیری، طرفداری بی چون و چرا خود را از ادامه جنگ و کشتار و سیاست خارجی ماجراجویانه و ارتجاعی اعلام می کنند، اما مشکلات و بن بست ها در این عرصه نیز به حدی رسیده است که هر جناح می کوشد با به ویر ضرب بردن رقیب و انداختن تقصیر "عدم الفتح" هابه گردن او، کریبان خود را از مخصص نجات دهد. در سخنرانی های رسمی سخن بر سر نفس کشتار و ویرانی نیست، سخن بر سر این است که این کشتار و ویرانی چگونه انجام گیرد، که در استفاده از جنگ و بندوبست های خارجی برای تحکیم رژیم، چه کسی ابتکار عمل را در دست داشته باشد، که روندها در این رابطه به تقویت موضع کدام طرف بیانجامد. حرفها و موضعگیری ها هنوز سرپسته تر و نادرتر از آن است که بتوان حکم قطعی درباره اینکه چه کسی از چه سیاست دفاع می کند، صادر کرد. اما اکنون با قطعیت می توان گفت که درماندگی رژیم در این عرصه نیز به صورت تشدید اختلافات با و تآب می یابد.

شعله‌های جنگ اینجا و آنجا زبانه می‌کشد

جنگنده بمب افکن‌های عراقی هفته گذشته با بمباران مناطق مسکونی استان باختران و شهر شوشتر، عده‌ای را به خاک و خون کشیدند. سنقر کلیایی، قهره حسین و قشلاق در استان باختران طی روزهای سه شنبه و چهارشنبه بطور متوالی هدف قرار گرفتند. عراقی‌ها اگرچه در خلیج فارس طی ۴ روز به هنگام برگزاری کنفرانس سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج از حمله به کشتی‌ها خودداری کردند اما بلافاصله پس از پایان کنفرانس، اطلاع دادند که یک هدف بزرگ دریایی را بین لارک و خارک هدف قرار داده‌اند. نیروهای جمهوری اسلامی نیز به بهانه تلافی اقدامات عراق، در مناطق اسلام پایا در جبهه میانی و زبیداد در جبهه شمالی به حملات تازه‌ای

دست زدند. در گزارش‌های بعدی با تصرف سکوی نفتی الامیه و حمله به کشتی عربستان سعودی توسط پاسداران، برآمار عملیات تلافی جویانه افزوده شد. دولت عراق ضمن رد ادعاهای جمهوری اسلامی، اعلام کرد که ایرانی‌ها به بار برای اشغال "الامیه" دست به حمله زدند که مره حمله همراه با کشتی سنگین دفع شد.

روزشنبه ۱۲ دی نیز هواپیماهای عراقی یک منطقه نظامی را در شرق دزفول بمباران کردند. مطبوعات خارجی با استناد به منابع عراقی اعلام کرده‌اند که جمهوری اسلامی در منطقه دزفول هزاران سرباز را به صورت آماده‌باش برای حملات تازه آماده کرده است.

تجدید معاملات شرکت‌های نفتی فرانسوی با ایران

نشریه کیهان هوایی در آخرین شماره خود به نقل از رادیو لندن نوشته است که دولت فرانسه موافقت کرده است خرید نفت خام از ایران را که تابستان گذشته به دنبال تیرگی روابط دو کشور متوقف شده بود، از سر گیرد.

در باره علت از سرگیری معاملات نفتی بین ایران و فرانسه، سرویس خبری "نیویورک تایمز" در گزارشی به نقل از اعضای هیأت نمایندگان جمهوری اسلامی در کنفرانس وزیران نفت اوپک نوشته است: "این بخشی از توافق بین ایران و فرانسه است که ماه گذشته به آزادی ۲ کروگان فرانسوی در لبنان منجر شد."

بنا به گزارش "نیویورک تایمز" منابع صنعت نفت فرانسه اظهار کرده‌اند که اعلام اتخاذ چنین توافقی هنوز زود است و خرید نفت از ایران بعد از برقراری مجدد روابط کامل دیپلماتیک بین دو کشور

صورت خواهد گرفت.

قبل از تحریم خرید نفت ایران از سوی شرکت‌های فرانسوی در مرداد ماه گذشته، ایران بزرگترین تامین کننده نفت فرانسه بود و خریدهای نفتی فرانسه از ایران طی تابستان به بیش از ۲۰۰ هزار بشکه در روز رسیده بود.

در هفته گذشته انتشار خبر تحریم خرید نفت ایران از سوی شرکت‌های ژاپنی نیز مسایل تازه‌ای را در زمینه سیاست نفتی جمهوری اسلامی طرح کرد. آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی، تلویحا موضوع تحریم از سوی ژاپن را مورد تأیید قرارداد ولی تأکید کرد که در این زمینه هنوز از طرف ژاپن نظر رسمی اعلام نشده است و قرار است هفته آینده یک هیأت به منظور بررسی همین مسایل به ژاپن سفر کند. میژان نفت صادراتی جمهوری اسلامی به ژاپن بیش از صادرات آن به فرانسه است.

آغاز بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۶۷ در مجلس

لایحه بودجه سال ۶۷، مصوب هیأت وزیران صبح روز یکشنبه هفته گذشته از سوی موسوی نخست وزیر به مجلس شورای اسلامی ارایه شد. در لایحه دولت، بودجه سال ۱۳۶۷ کشور از حیث هزینه‌ها و پرداخت‌ها بالغ بر ۸۷۸۷ میلیارد ریال پیش بینی شده است.

قبل از تحویل لایحه بودجه به مجلس، موسوی طی سخنانی ضمن تشریح اوضاع اقتصادی-سیاسی کشور در سال ۶۶ و عملکرد دولت در این سال، رؤس اهداف کلی بودجه سال ۶۷ را برای نمایندگان برشمرد. بنا به اظهارات وی، در بودجه سال ۶۷ نیز همچون سالهای گذشته، جنگ و تامین تسلیحات و مقابله با مشکلات ارزی نسبت به سایر بخشهای هزینه‌های دولت از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. نخست وزیر در زمینه توجه دولت به مسئله جنگ در لایحه بودجه، به نمایندگان مجلس توضیح داد که در بودجه سال ۶۷، حدود ۴۱ درصد از کل هزینه‌های بودجه عمومی و بالغ بر ۵۲ درصد از کل اعتبارات جاری دولت به امور نظامی و انتظامی اختصاص داده شده است. علاوه بر این، در لایحه ۲۵ میلیارد ریال برای طرح‌های مهندسی-صنعتی جنگ، ۱۷ میلیارد ریال طرح‌های پدافند و ۵۰ میلیارد ریال

اعتراض وزارت امور خارجه شوروی به دولت ایران

ادوارد شوارتس‌دازه وزیر امور خارجه اتحاد شوروی هفته گذشته رسماً به دولت جمهوری اسلامی ایران به خاطر حادثه‌ای که در مقابل کنسولگری شوروی در اصفهان رخ داد، اعتراض کرد. خبرگزاری تاس ضمن اعلام خبر فوق گزارش داد که در حادثه مقابل کنسولگری شوروی در اصفهان یک تن از ضد انقلابیون افغانی کشته و چند تن از پاسداران زخمی شدند. در گزارش تاس گفته شده است که ضد انقلابیون افغانی مقیم ایران در مقابل کنسولگری شوروی در اصفهان اغتشاش برپا کرده و قصد داشتند به زور به داخل کنسولگری رخنه کنند. در پی شلیک گلوله از سوی پلیس جمهوری اسلامی یک تن از ضد انقلابیون افغانی کشته شد و در درگیری متعاقب آن عده‌ای از پلیس هازخمی شدند.

سفر ولایتی

به لیبی و فاروق الشرع به تهران

در جریان برگزاری کنفرانس سران کشورهای عضو همکاری خلیج فارس در ریاض هیأتی به سرپرستی ولایتی وزیر امور خارجه برای ملاقات با مقامات لیبیایی وارد تریپولی شد. ولایتی طی اقامت سه روزه خود در لیبی، جنگ و مسایل مهم منطقه و روابط لیبی و ایران را با قذافی، عبدالسلام جلود والطلحی وزیر امور خارجه لیبی مورد مذاکره قرار داد در گزارش جمهوری اسلامی اعلام شد که ولایتی در دیدار با قذافی مواضع جمهوری اسلامی در رابطه با مسایل خلیج فارس و تلاش برای یک سره کردن جنگ را به اطلاع وی رسانده است در بیانیه مشترکی که در پایان دیدار ولایتی از لیبی صادر شد، مطلبی که حاکی از حمایت لیبی از رژیم خمینی باشد به میان نیامد.

روز دوشنبه در پی بازگشت ولایتی و هیأت همراهش از لیبی، فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه به منظور ارسال پیام ویژه حافظ اسد به خامنه‌ای وارد تهران شد. وزیر امور خارجه سوریه علاوه بر رئیس جمهور و ولایتی نیز در تهران دیدار و گفتگو کرد. خبرگزاری جمهوری اسلامی از مضمون پیام حافظ اسد و علت سفر فاروق الشرع که بلافاصله پس از بازگشت ولایتی از لیبی صورت گرفت، گزارشی ارایه نداد.

سقوط هواپیمای جمهوری اسلامی

به روی یکی از محلات تهران

پیش از ظهر روز سه شنبه ۸ دی ماه یک هواپیمای جمهوری اسلامی در راه بازگشت از یک پرواز تعلیماتی بر روی یکی از محلات نزدیک فرودگاه مهرآباد سقوط کرد. خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که علت سقوط این هواپیما نقص فنی بوده و خلبان آن علیرغم تلاش زیاد نتوانسته است از حادثه جلوگیری کند. در جریان سقوط این هواپیما ۶ تن کشته و جمعی زخمی شدند. در باره عده زخمی‌ها خبری گزارش نشده است.

طومار اعتراضی دانشجویان ربوده شد

در اواخر شهریورماه مسئولین دانشکده پردیس اصفهان اعلام کردند که از ۲۸ شهریور کلاسهای درسی شروع می شود. آنها از دانشجویان خواستند تا اول مهرماه برای ثبت نام به بخش اداری دانشکده مراجعه کنند. همچنین عنوان کردند کسانیکه پس از این تاریخ و تا چهارم مهر اقدام به ثبت نام کنند باید کتبا علت تاخیر خود را توضیح دهند. اما با گذشت یک ماه و نیم از سال تحصیلی حتی یک جلسه از ۱۹ واحد درسی معین شده برگزار نشد. بی برنامگی بر امور دانشکده حاکم است. مسئولین دانشکده با یکدیگر اختلاف دارند. هرکس سعی می کند گناه عدم پیشرفت کارها را به گردن دیگری بیندازد. بلبشوی موجود ناراضیتی دانشجویان را برانگیخته است. با اینحال اگر دانشجویی اعتراض کند با تهدید و واکنش کثیفه

انضباطی دانشکده روبرو می شود. در اوایل آبان ماه رئیس دانشکده در پاسخ به عده ای از دانشجویان که پرسیده بودند چرا کمک هزینه کمتر از مقدار تعیین شده است و دیرتر از موعد مقرر بدستمان می رسد. یک مشت پاسخ های بی سرت و ردیف کرده بود. او همچنین در جواب به این سؤال دانشجویان که چرا به ما برنامه آموزشی نمی دهید. گفته بود هوا خوب است. دانشکده هم غذا! می دهد. بروید بگردید. در تقابل با این وضع دانشجویان تصمیم به نوشتن یک طومار اعتراضی گرفتند. طومار نوشته شد و بسیاری از دانشجویان آنرا امضا کردند. اما بعد از دو روز طومار مفقود شد. به اعتقاد دانشجویان عوامل انجمن اسلامی آنرا دزدیده اند. در پی این ماجرا دانشجویان مصمم شدند راه حل های دیگری برای بیان اعتراضات خود بیابند.

درگیری انجمن اسلامی دانشجویان و مدیریت دانشگاه علم و صنعت

در اوایل آبان بدنبال مداخلات انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در کار مدیریت، کابلی رئیس این دانشگاه ضمن صدور اطلاعیه ای با مضمون: "با توجه به شرایط حاکم بر دانشگاه دیگر حاضر نیستم حتی یک روز به کار خود ادامه دهم... در پایان بر وحدت صفوف امت حزب الله تاکید می کنم." استعفاي خود را اعلام می کند. انجمن اسلامی دانشجویان تحت حمایت و رهبری قدوسی نماینده منتظری در دانشگاه، ضمن محکوم کردن این عمل از رئیس دانشگاه می خواهد تا به سئوالات انجمن پاسخ گوید و توضیح دهد که منظور از "شرایط حاکم بر دانشگاه" چیست. در پی

این واکنش انجمن اسلامی، طرفداران رئیس دانشگاه که عبارتند از انجمن اسلامی کارکنان و استادان رشته برق و دانشجویان رزمنده - گروهی از دانشجویان دانشگاه که هرازگاهی در مقابل انجمن اسلامی دانشجویان ابراز وجود می کنند - به حمایت از رئیس دانشگاه برخاسته، طی اعلامیه ای آمادگی خود را جهت برپایی راهپیمایی به دفاع از وی اعلام می کنند.

این وضع که جو دانشگاه را متشنج کرده بود، سرانجام با میانجیگری نمایندگان آموزش عالی فیصله یافت و کابلی مجددا در ریاست دانشگاه ابقا شد.

ارائه دفترچه بسیج برای ثبت نام در مدارس کرج

در مدارس کرج ارائه دفترچه بسیج اقتصادی جزو ضوابط ثبت نام دانش آموزان بود و از آنجا که تعداد زیادی از مردم شهر مهاجر و آواره جنگی هستند و دفترچه بسیج ندارند عملا با بن بست روبرو شدند.

اما آنها زیر بار نرفتند و پیگیرانه به چنین ضابطه ای اعتراض کردند. تا آنجا که اداره آموزش و پرورش مجبور شد با صدور بخش نامه ای شرط ارائه دفترچه بسیج جهت ثبت نام را از ضوابط ثبت نام حذف کند.

در کارخانه نساجی قائم شهر

روز چهارمهر ماه مسئولین کارخانه نساجی قائم شهر از بیش از ۴ هزار کارگر و کارمند این کارخانه خواستند علاوه بر ۱۰۰ تومانی که هرامه ای حقوق شان برای کمک به جیبه کسر می شود، به مناسبت هفته جنگ مقداری هم جداگانه بپردازند. آنها که می دانستند این اخاذی ها ضرت کارگران را برمی انگیزد، اعلام کردند هر که داوطلب کمک است به دفتر مراجعه کند. از میان بیش از ۴۰۰۰ کارگر و کارمند، تنها ۷۰ نفر که از عناصر مزدور انجمن بودند تن به این اخاذی دادند. ولی سایرین مخالفت خود را با این امر بیان کردند.

اعتراض کارگران راه آهن کرج

تصمیماتی که اخیرا از طرف مدیریت راه آهن کرج جهت انتقال کارکنان و کارمندان راه آهن از کرج تا محل کار آنها اتخاذ شده، باعث نگرانی شدید کارگران گردیده است. کارگران که قبلا بوسیله سرویس اتوبوس مستقیما از محل زندگی به محل کار می رفتند، در حال حاضر با اتوبوس فقط تا محل ایستگاه راه آهن کرج می آیند و ناچارند از آنجا بوسیله یک واگن قراضه درجه ۳ که فاقد کمترین امکانات لازمه منجمه بخاری است، به محل کار بروند. این امر علاوه بر فشار سرما و واگن، موجب اتلاف وقت کارگران هم می شود. آنها باید صبح ها زودتر از وقت معمول از خواب بیدار شوند تا به موقع به محل کار برسند. وضع موجود اعتراض کارگران را برانگیخت بطوریکه در روز چهارم آبان وقتی که سرویس کارگران به محل ایستگاه راه آهن کرج می رسد، کارگران از رفتن با واگن امتناع کرده، از اتوبوس پیاده نمی شوند. راننده اتوبوس تلفنی مدیریت راه آهن تهران را در جریان می گذارد. مدیریت راه آهن با بیشرمی به راننده اخطار می کند که به هیچ وجه نباید با اتوبوس کارگران را به محل کار و یا خانه هایشان ببرد. کارگران به اعتراض خود ادامه می دهند.

اعتراض با استفاده از هر امکان

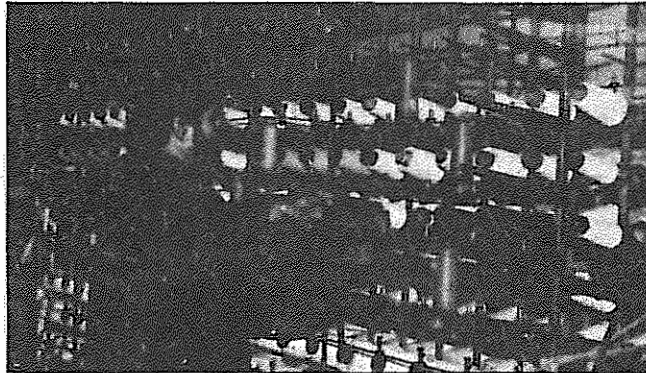
* در دادگاه انقلاب اسلامی زیر شعار "به کشاورزان بگوئید ما نه طرفدار فلودالها هستیم و نه سرمایه دارها" که بر روی پوستر نوشته شده با خودکار اضافه کرده بودند "و نه طرفدار شما" و شعار بصورت زیر در آمده بود: به کشاورزان بگوئید ما نه طرفدار فلودالها هستیم و نه طرفدار سرمایه دارها و نه طرفدار شما.

* زمانی که فیلم میرزا کوچک خان در یکی از سینماهای تهران نمایش داده می شد، در صحنه ای از فیلم از زبان یکی از بازیگران در نقش مخالف اسلام گفته شد: ماهر چه می کشیم از دست همین "روحانیت" است. تماشاچیان با شنیدن این جمله شروع به سوت زدن کرده با کف زدنهای ممتد گفته وی را تایید کردند. در سینمای دیگر در حین کف زدن ها و سوت زدن ها فردی با صدای بلند فریاد زد "دوازده تومان دادم که فقط همین جمله را بشنوم" این وضع در اکثر سینماهایی که این فیلم را نشان دادند تکرار شد.



بی رمق و خسته از جستجوی نان... چه در پیش است؟

گذری بر کارگاه‌های بافنده سوزنی در تهران



در تهران صد ها واحد کوچک و بزرگ بافندگی وجود دارد که گروه وسیعی از کارگران به کار در آنها مشغولند. این صنف همراه با صنف دوزنده‌ها (تولیدکنندگان لباس) و سایر رشته‌های همپیوند مجموعه بهم پیوسته وسیعی را تشکیل می‌دهند. سه شاخه مهم بافندگی در کار با ماشین‌های ویرتیلور می‌یابند:

۱ - ماشین‌های گردباف، ۲ - ماشین‌های صنعتی جدید ۳ - ماشین‌های دستی.

ماشین‌های گردباف، دستگاه‌های پیشرفته‌ای هستند که پارچه‌های نازک ویر پیرامنی، پارچه‌های گرمکن و انواع پولیستر پنبه‌ها را تولید می‌کنند. کار ماشین‌های صنعتی عمدتاً تریکو بافی و کشافنی است. از ماشین‌های دستی هم برای تولید یقه پیراهن استفاده می‌شود. تولید با ماشین‌های دستی مستلزم وجود کارگران ماهر است و نقش کاریدی در آنها بالاتر است.

دیگر رشته‌های همپیوند با بافندگی عبارتند از: دانه‌گیری (وصل یقه به پیراهن)، خارزنی (ایجاد ترک در پارچه)، بخارکاری (الوارکاری)، گلدووی (نقش‌زنی کلو طرح‌های گوناگون بر پارچه‌ها)، چاپ سیلک...

تولید کنندگان لباس هم گروه بزرگی را تشکیل می‌دهند که در سطح شهر پراکنده‌اند. تعداد کثیری کارگر ساده پرش کار، وردست، راسته دوز، چرخ کار و غیره در این گروه مشغول فعالیت‌اند. در کنار این گروه باید از فروشندگان لوازم خیاطی مانند نخ، سوزن، کش، دکمه، تور، شمع

روشن و همچنین بخش‌کننده و بنفکد اهرام نیز نام برد.

مرکز اصلی تجمع کارگاه‌های بافنده سوزنی محدوده انقلاب، مصدق، توپخانه بهارستان و خیابان صفی‌علیشاه است. اما در بازار نیو گروه کثیری از آنها تجمع دارند. در چند سال اخیر در افسریه، خانی‌آباد، نازی‌آباد و شهرک ولیعصر هم کارگاه‌هایی از این دست باز شده‌اند. از سال ۵۷ تا ۶۲ و ۶۳ دوران رونق فعالیت رشته‌های این صنف بود.

با وجود کار شدید در کارگاه‌های این رشته، فرآورده‌هایشان تکافوی نیاز بازاری را نمی‌داد. بارها اتفاق می‌افتاد که بنفکد اهرام واسطه‌ها پارچه‌هایی را که قرار بود تولید شوند از قبل پیش خرید می‌کردند. از رهگذار این رونق صاحبان تولیدی‌های کوچک نیز از کسب سود بی‌نصیب نبودند. بطوریکه تعداد کثیری از آنها که اجاره‌نشین بودند صاحب مغازه شدند و دستگاه‌های جدید خریدند. بدین سبب عده زیادی به کار در این عرصه رو آوردند. کارگاه‌های این عده عموماً در افسریه،

خانی‌آباد، ولیعصر، جاده ساوه و... مستقر شدند. علت استقرار در این مناطق افزایش شدید قیمت مغازه و اجاره آن در مراکز اصلی تولید

بویژه منطقه بهارستان بود. قیمت یک مغازه در کوچه برلن ۸ میلیون تومان و در پاساژ کاشانی که مرکز بنفکد اهرام است ۲ تا ۵ میلیون تومان بود. صاحبکاران حاشیه نشین پارچه را از بازار آزاد می‌خریدند، جنس را تولید کرده، مجدداً به بازار سرازیر می‌نمودند.

کالای تولید شده به زودی فروخته می‌شد. برخی از تولید کنندگان توانستند از اتحادیه "دفترچه موقت" دریافت کرده، مقداری سهمیه نخ، پارچه، قیچی برقی، چرخ و سوزن

... دریافت کنند. اما اواسال ۶۴ به بعد پروسه رکود آغاز شد. در مرحله اول گروه حاشیه‌نشین صنف دچار بحران شد. با گران شدن پارچه افت

شدید بازار آن، ایندسته از صاحبکاران یکی پس از دیگری کنار زده شدند.

وضع تولید کنندگان اصلی بدین گونه نبود. آنها به علت شفاخته

در ادامه جنگ به معنای آمادگی برای

کردن نهادن به صلح نیست.

"سران رژیم می‌کوشند که همه

امکانات موجود را به خدمت بگیرند

تا از فشارهایی که در جهت قطع جنگ

به آنها وارد می‌شود بکاهند و از موضع

ضعف به درآیند. در عین حال آنها

می‌خواهند گریبان جمهوری اسلامی را

از چنگال جنگ به گوشه‌ای خلاص

کنند که خطری متوجه حکومتشان نشود

و اینکار "آبرومندان" صورت بگیرد.

همین تناقض، آنان را به ادامه

نومیدانه جنگ وامی‌دارد."

شده‌بودن، حضور در مراکز تولید، آشنایی و سرمایه و بندوبست با بنفکد اهرام و عضویت در اتحادیه، طی سال ۶۴ نیز توانستند به کار خود ادامه دهند. اما بخشی بزرگی از اجناس تولید شده به فروش نرفت. اینها هم بتدریج خطر بحران را درک کردند. کارگاه‌ها از تولید خود کاستند. تعداد بسیاری از کارگران اخراج شدند. در سال ۶۵ روند رکود شدت گرفت. اکنون تولید کنندگان بزرگ برپایه پیوندهای پیش گفته و بندوبست با تجارتخانه‌های بزرگ وارد کننده پارچه و نخ کماکان به تولید ادامه می‌دهند. اما تولید کنندگان بخر به کار "مؤدی" رو آورده‌اند، آنها کار را از تولید کننده بزرگ می‌گیرند و در آوای مزد برایشان تولید می‌کنند.

طی سال جاری از کارگاه‌های مستقر در افسریه، خانی‌آباد، ولیعصر و... تقریباً چیزی باقی نمانده است. آنها عموماً تعطیل شده‌اند. کارگاه‌های کوچک شامل دو تا سه کارگر هم تعطیل شده‌اند. از این زاویه بیشترین فشار برگرد کارگران این رشته مسکنی می‌کند. هم اکنون خیل عظیمی از آنان به صفوف صدها هزار کارگر اخراجی پیوسته و از بیکاری رنج می‌برند. آندسته‌هم که در مراکز تولیدی مشغول به کارند، همواره با خطر اخراج مواجه‌اند. جلو سینما اروپا، در جمهوری، جلو پاساژ شانزله‌لیزه (سراة جمهوری) در مقابل سینما متروپل لاله‌زار و... بسیاری از کارگران دوونده، بافنده کلدو، ویکوال‌دو و... دیده می‌شوند که بیکار و سرگردان شده‌اند. بحران ناشی از سیاست‌های رژیم برای این گروه از کارگران نیز همچون سایر کارگران میهن‌ما جز تیره‌روزی و فقر ارمغان دیگری نداشته است. ●

هاشمی رفسنجانی، همچنین در باره قطعنامه شورای امنیت گفت: "قطعنامه از نظر ما در شکل موجودش چیز خوبی نیست. یعنی اجرای تمامی بندهای آن به ترتیب از بند یک تا بند آخر چیز خوبی نیست. آنها گفتند اول آتش بس و بعد اعلام متجاوز... ما گفتیم جای بندهای قطعنامه را عوض کنید."

استراتژی جدید جنگی، اعلام درماندگی رژیم است. ادامه همان جهاد تبلیغاتی برای کسب امتیاز و قدرت چانه‌زنی است. جهادی که در کساکش محافل قدرت در رژیم خمینی حتی ممکن است کشتار جمعی هزاران پیرو جوان و کودک را در جبهه‌های جنگ نیز به همراه داشته باشد. ●

درماندگی در ادامه جنگ...

بقیه از صفحه اول

که در گذشته حاکم بود این بود که ما پس از هر ضربه محکمی که وارد می‌آوردیم، مهلتی به عراق می‌دادیم...

"عدم الفتح‌های متعدد" همواره با "استراتژی جدید" همراه بوده است. یک دوره، عملیات نظامی محدود را استراتژی جنگی اعلام کردند، و بعد به شکست آن اعتراف کردند، بار بعد "عدم الفتح‌های متعدد" ناشی از استراتژی حملات بزرگ را در کارنامه جنگی خود ثبت نمودند و اینبار، رفسنجانی از "حمله بزرگ طولانی" بحثابه، استراتژی

جدید سخن می‌گوید.

در شرایط کنونی، سخنان اخیر

مهره قدرتمند رژیم خمینی در زمینه

"استراتژی جدید" جنگی را باید

ادامه سیاستی دانست که فرمان بسیج

گسترده نیرو و فتوای "جهاد مالی و

جانی" را صادر کرد. سیاستی که به

درستی بر آن عنوان "جهاد برای

امتیاز" نهاده شد.

تشدید بحران اقتصادی و

فلاکت مالی، نارضایتی شدید

توده‌های مردم و تقابل آنها با سیاست

های رژیم، و افزایش فشارهای

بین‌المللی برای پایان بخشیدن به

جنگ، جمهوری اسلامی را در ادامه

جنگ درمانده ساخته است. درماندگی

مشخصات و جزئیات آنها نامعلوم ترند و شاهد آن عینی آنها از میان ما می‌روند، و این خطر بزرگ وجود دارد که این دوره انقلابی با همه پیچیدگی، پویایی درونی و متناقض بودنش، ساده شده و در چارچوب قالبهای از پیش تهیه شده گنجانده شود.

انقلابات اواسط قرن بیست، در مقایسه با انقلابات پیش از آن - انقلابات متعدد دپورتوایی، کمون پاریس در سال (۱۸۷۱)، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و جمهوری شورایی مجارستان در سال ۱۹۱۹ - دارای ویژگیها و وجوه تمایز خاصی هستند، چرا که آنها را نمی‌توان بدون فائل شدن محدودیت، در ردیف انقلابات نوع دپورتوایی و یا انقلابات گذشته پرولتری - سوسیالیستی گنجانده.

اولین جنبه‌ای که فطر را جلب می‌کند، این است که آنها کام به کام و به تدریج از مقاومت ضدفاشیستی خلقها علیه رژیم‌های اشغالگر فاشیستی آلمان و ایتالیا فرارویدند (به استثنای منطقه‌ای که اکنون ج. د. آ. است). در آلبانی، یوگسلاوی و تا حدودی در بلغارستان، یعنی کشورهایی که مقاومت اشکال مبارزات پارتیزانی بخود گرفته بود، جنگ رهایی‌بخش ملی ضدفاشیستی با انقلاب خلقی درهم آمیخت، که در نتیجه آن خلقها نه تنها توانستند اشغالگران فاشیست را از کشور خود اخراج کنند، بلکه طبقات استثمارگر داخلی را نیز سرنگون و قدرت کارگران و دهقانان را برپا کردند.

در سال ۱۹۴۲ ارتش‌های رهایی‌بخش ملی آلبانی و یوگسلاوی بر بخش‌های وسیعی از مناطق کشورشان مسلط شدند، ماشین کهنه سرکوب را متلاشی کردند و ارگانهای جدید حکومتی را برپا داشتند. در نوامبر سال ۱۹۴۲، در دومین نشست مجمع ضدفاشیستی رهایی‌بخش مردم یوگسلاوی در پایچه خود را ارگان عالی قانونگذاری کشور اعلام و کمیته آزادی‌بخش ملی را ایجاد کرد که یک دولت موقت در مناطق آزاد شده بود. کام مشابهی در ماه مه ۱۹۴۴ توسط جبهه رهایی‌بخش ملی آلبانی بر داشته شد. جبهه میهنی بلغارستان وابسته به ارتش پارتیزانی، مردم را در قیام ضدفاشیستی ۹ دسامبر ۱۹۴۴ رهبری کرد. این حوادث به عنوان آغاز انقلابات در این سه کشور شناخته شده‌اند.

در لهستان، مقاومت علیه اشغالگران آلمان فاشیستی به انقلابی منجر شد که در نتیجه آن دولت موقت تحت عنوان، کمیته رهایی‌بخش ملی لهستان - تاسیس شد (در ژوئیه ۱۹۴۴). اقدام مشابهی در چکسلواکی، بعد از قیام ملی اسلواکیا (اوت ۱۹۴۲) که به عنوان آغاز انقلاب ثبت شد، و شکل‌گیری حکومت کوشچ (آوریل ۱۹۴۵) و قیام پراگ (مه ۱۹۴۵)، صورت گرفت. در رومانی اولین کام، سرنگونی رژیم فاشیستی آنتونسکو در اوت ۱۹۴۴ و در مجارستان تشکیل حکومت موقت در دسامبر ۱۹۴۴ در دربرکن بود.

سرانجام در منطقه‌ای که امروزه آلمان دمرکاتیک بنامیده می‌شود، تحولات تنها بعد از تسلیم بدون قید و شرط آلمان هیتلری، رهایی مردم آلمان از یوغ فاشیسم، ارگانهای دمرکاتیک و ضد فاشیستی خودگردانی امکان یافت.

دومین جنبه مهم این انقلابات چگونگی جابجایی قدرت است که این انقلابات را از انواع انقلابات صورت گرفته در قبل متمایز می‌سازد.

بقیه در صفحه بعد

انقلابات اجتماعی سال‌های ۱۹۴۰

انقلابات اجتماعی سال‌های ۱۹۴۰، تشکیل دولتهای دمرکاتیک خلق و ساختمان سوسیالیسم در اروپا، تجربه‌ای گرانقدر در جنبش انقلابی جهان است که برگزیده تئوریک دانش مارکسیسم - لنینیسم افزوده و دستمایه‌ای ارشمن در تدوین استراتژی انقلابی کلاز او سرمایه‌داری به سوسیالیسم محسوب می‌شود. "اکثریت" پیش از این مقالاتی در معرفی این انقلابات درج کرده است. مقاله حاضر که در دوشماره چاپ خواهد شد، حاوی اطلاعات ارشمن بیشتری در این باره است. این مقاله از نشریه "بررسی مارکسیستی جهان"، شماره ۷ سال ۱۹۸۴ برگرفته شده است.

نمی‌توانند یا نمی‌خواهند به ویژگی‌های آنها توجه کنند و نگاه دقیق‌تری به جوانب مختلف آنها معطوف دارند. برخی دیگر، هنوز مردند که چه چیز به لحاظ سیاسی مفیدتر خواهد بود: ششایی تجربه تاریخی و دستاوردهای کشورهای سوسیالیستی اروپای مرکزی و جنوب شرقی و یا نشان دادن تحول آنها به صورت سلسله مداومی از خوشنیت‌ها، ناکامی‌ها و خطاها.

حتی در درون جنبش طبقه کارگر اغلب این سؤال را می‌شنویم: آیا تحولات در این هشت کشور اروپایی واقعا انقلاب بودند؟ نکته اینجاست که رویدادهای آن روزها هیچ شباهتی به حمله به دژ باستیل و یا کاخ زمستانی، این دو مظهر تاریخی انقلاب، نداشت. نظام اجتماعی، بدون خوشریزی در یک جنگ داخلی تغییر یافت، و در مجارستان و قلمرو ج. د. آ.، حتی قیام‌های ضدفاشیستی نیز روی نداد.

با این همه، این تحولات، انقلابات سیاسی و اجتماعی‌ای بودند که همه مشخصات علمی یک انقلاب در مورد آنها صدق می‌کند، زیرا این تحولات قدرت یک طبقه را به جای قدرت طبقه یا طبقات دیگر نشانده و ساختارهای اجتماعی، مناسبات طبقات و همه اشکال زندگی سیاسی، قانونی معنوی و فرهنگی را از اساس تغییر دادند. خلقهای این هشت کشور به مرحله کیفی عالی‌تری از رشد ارتقا یافتند و به صورتی اجتماعی - اقتصادی فوینی رسیدند. این دگرگونیهای انقلابی عمیق‌تر و ریشه‌ای‌تر از هر چیزی بود که این خلقها در طول قرنهای پیش از آن تجربه کرده بودند.

انقلابات اواسط قرن بیستم، رویدادهایی با اهمیت جهانی - تاریخی برای کل بشریت بودند، زیرا پس از انقلاب کبیر اکتبر راه‌ها، اشکال و شیوه‌های جدیدی در کلاز به سوسیالیسم کشودند و تکامل بخشیدند. این انقلابات نه تنها راه پیشرفت را برای خلقهای این هشت کشور هموار کردند، بلکه تغییرات مهمی نیز در نقشه اروپا وارد آوردند؛ این انقلابات همراه با انقلابات در تعدادی از کشورهای آسیایی - سویتنام، چین و کره - چهره جهان را دگرگون کردند. در نتیجه، سوسیالیسم که در آغاز در اتحاد شوروی ساخته شد، از چارچوب یک کشور بیرون آمد و نظام جهانی سوسیالیستی شکل گرفت.

وقتی به چند دهه‌ای که از حادثترین برخورد‌های طبقاتی در اروپای مرکزی و جنوب شرقی گذشته می‌نگریم، اهمیت آن دگرگونیها را روشن‌تر می‌بینیم. با این حال، باؤنکری تاریخی محاسن و معایب خود را دارد، زیرا هر چه این رویدادهای بی‌مانند بیشتر مربوط به گذشته باشد، جوانب

چهارده پیش در کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی - آلبانی، بلغارستان، چکسلواکی، جمهوری دمرکاتیک آلمان، مجارستان، لهستان، رومانی و یوگسلاوی - دوره‌ای از انقلابات اجتماعی آغاز شد. کمیون مسائل ساختمان سوسیالیسم در مرحله بررسی مارکسیستی جهان برای بحث در باره این مقطع مهم تحول تاریخی در این کشورها کردم آمد. شرکت کنندگان در بحث، از جمله عبارت بودند از: از بلغارستان، کانچوگانف محقق برجسته و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان (ج. ک. ب. آ.)، از جمهوری دمرکاتیک آلمان (ج. د. آ.)، دکتر رولاند باؤئر عضو کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان (ج. س. م. آ.)؛ از مجارستان شورچیک ساندور، کاندیدای دکتری اقتصاد از لهستان ژرزی واشوک، از رومانی پروفیسور واسیل نیکیتا، از ج. ش. س. رگلی تسوکاسوف، دکتر تاریخ و عضو هیئت تحریریه مجله بررسی مارکسیستی جهان (ج. م. ج.) و پروفیسور آناتولی بوتنکو، دکتر فلسفه و از چکسلواکی، پاول اوثر سبرگ عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی (ج. ک. ج.) و عضو هیئت تحریریه ج. م. ج.

هدف بحث نه تنها نشان دادن جوهر انقلابات و وجوه اشتراک و تشابه آنها، بلکه همچنین اشاره به تنوع اشکال پیشروی انقلابات و شیوه‌ها و طرق به کار رفته در اجرای دگرگونیهای بنیادین اجتماعی بود. جمع‌بندی آنچه در بحث گفته شد حاوی ادعای پرداختن به همه جنبه‌های مسائل مربوط به انقلابات در این هشت کشور و تحول بعدی آنها تا زمان مانیست، بلکه تنها آن جنبه‌هایی مورد بررسی قرار گرفت که شرکت کنندگان در بحث آن را مبرم‌ترین مسائل مباحث اساسی درباره مسائل انقلابات، وجوه اشتراک و ویژگی‌ها و راه‌ها، اشکال و طرق کلاز او سرمایه‌داری به سوسیالیسم می‌دانستند.

انقلاباتی که چهارده پیش در آلبانی، بلغارستان، چکسلواکی، ج. د. آ.، مجارستان، لهستان، رومانی و یوگسلاوی آغاز شد، همانند همه انقلابات گذشته قهرمانان برجسته و دشمنان کینه‌توژ داشت. مجادله میان اینان تا امروز ادامه دارد، و برخورد به انقلابات اجتماعی سیاسی که در آن دوره به وقوع پیوست، کماکان موضوع مبارزه ایدئولوژیک و زمینه دروغ‌پردازی‌ها و لجن‌پراکنی‌های گوناگون دشمنان سوسیالیسم است.

بسیاری از ایدئولوگ‌ها و تئوریسین‌های بورژوایی همچنان نظرگاه مخدوشی درباره رویدادهای سال‌های ۱۹۴۰ در این کشورها دارند و

انقلابات اجتماعی...

بقیه از صفحه قبل

در تمام انقلابات پیش از دوره ۴۵-۱۹۴۲ به عنوان یک قاعده عمومی، قدرت یک طبقه، از طریق قیام و یا سایر اشکال مبارزات مسلحانه سرنگون شد و تمام قدرت به طبقه‌ای دیگر انتقال یافت. طبقه جدید، قدرت دولتی را به شکل حکومت برخاسته از انقلابات به دست می‌گرفت. در دهه ۴۰ تغییرات رادیکال در خصلت قدرت (و این بعنوان مشخصه اصلی انقلاب شناخته شده است)، نه دفعه‌ای، بلکه به تدریج و در یک پروسه نسبتاً مسالمت آمیز صورت گرفته است. حتی در بلغارستان، چکسلواکی و رومانی یعنی کشورهایی که در آنها قیام‌هایی صورت گرفت، حکومت یکپارچه یک طبقه، به یکباره شکل نگرفت. در همه جا، حکومت‌هایی بر سرکار آمدند که نمایندگان طبقات مختلف جامعه در آن شرکت داشتند.

در حل وظیفه اصلی انقلاب، یعنی درهم شکستن ماشین کهنه دولتی و برپایی دستگاه جدید قدرت نیز جنبه ویژه مشابهی وجود داشت. در همه این هشت کشور در نیمه اول دهه ۴۰، اشغالگران آلمانی و ایتالیایی و دست‌نشانده گانشان (در دولت‌های وابسته رومانی، بلغارستان، مجارستان و اسلواکی) تمام قدرت سیاسی و اقتصادی، شامل تمام ارگانهای سرکوب و اداری را در دستهای خود قبضه کرده بودند. هنگامی که رژیم‌های اشغالگر فاشیستی و دیکتاتورهای دست‌نشانده در زیر ضربات ارتش سرخ، واحدهای پارتیزانی و سایر نیروهای مسلح که در حال پیشروی بلاوقفه بودند، متلاشی شدند، ماشین کهنه اداری و سرکوب و به ویژه ارتش و پلیس از میان رفتند، در برخی کشورها به یکباره و در برخی مانند رومانی، بعدها، سایر اشکال و عناصر دستگاه دولتی کهنه در بیشتر این کشورها، در روند انقلاب از میان رفتند و حتی در مواردی مورد استفاده قرار گرفته و به ارگانهای قدرت جدید تبدیل شدند.

ارگانهای جدید و دستگاه اداری قدرت - محلی و مرکزی - همزمان در مناطق آزاد شده توسط نهضت مقاومت و ارتش سرخ بوجود آمدند.

به یاد داشته باشیم که از ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵، در همه این کشورها دولت‌های موقت تشکیل شد. در یوگسلاوی، کمیته‌های رهایی‌بخش خلق که زندگی اجتماعی را در مناطق آزاد شده رهبری و سازماندهی می‌کردند از سال ۱۹۴۱ حکم ارگانهای محلی قدرت را داشتند. شورای رهایی ملی، از سال ۱۹۴۲ در آلبانی تشکیل شد. در بلغارستان کمیته‌های جبهه میهنی ایجاد شد. در نیمه دوم سال ۱۹۴۴، شوراهای ملی که هنوز مخفی بود، در مناطق و بخش‌ها و ایالات مختلف لهستان پا گرفت. در پایان همین سال کمیته‌های ملی در مجارستان پا به عرصه حیات گذاشت. از سال ۱۹۴۴ به بعد، کمیته‌های مشابهی در بخش‌های عمده چکسلواکی کار خود را شروع کردند. این ارگان‌ها که توسط خود مردم برپا شده بودند، توانستند ابتکار عمل را در مناطق آزاد شده بدست بگیرند، نیروها و منابع کشور را در خدمت آزادی کامل کشور قرار دهند، در راه احیای تولید بکوشند، مایحتاج اولیه مردم را تأمین و از بازسازی نظام کهنه جلوگیری کنند. کمیته‌های

ملی و شوراهای ملی، به کمک میلیشیای غیرنظامی، دادگاههای خلق و کمیته‌های کارخانه، اتحادیه‌ها و سایر ارگانهای اجتماعی که از درون جنبش ساوان یافته خلق فراوریده بودند، تکیه داشتند.

قدرتی که به تدریج در کشورهای مختلف شکل گرفت و تحت عناوین متفاوت دارای محتوای طبقاتی متفاوتی بود، که این نکته دوم دارای اهمیت بیشتری است.

مهمترین اشکال دولتی‌ای که این انقلابات در چارچوب آن رشد کردند و قدرت خلق در قالب آن شکل گرفت، به ویژه در سالهای نخست بسیار متفاوت بود. به جز در چکسلواکی، لهستان و آن بخش از آلمان که توسط ارتش سرخ آزاد شد، در همه کشورهای دیگر اسما - و در رومانی واقعاً - هنوز سلطنت حاکم بود. یوگسلاوی نخستین کشوری بود که خود را در نوامبر ۱۹۴۵ جمهوری فدرال خلق اعلام کرد. آلبانی در ژانویه ۱۹۴۶، مجارستان در فوریه، بلغارستان در سپتامبر و رومانی در پایان ۱۹۴۷ جمهوری شدند. چکسلواکی مانند دوره پیش از جنگ، یک جمهوری پارلمانی باقی ماند که رئیس جمهور آن، سیاستمداری با موضع آشکار بورژوازی بود. در شرق آلمان (بعدها ج. د. آ.) انقلاب بدون داشتن یک قدرت دولتی متمرکز در آلمان پیش رفت.

در سالهای نخست، بسیاری از معیارهای حقوقی و ساختارهای دولتی به ارث رسیده از دیکراسی بورژوازی در خدمت انقلاب قرار گرفت. مثلاً قانون اساسی یوژوایی ۱۹۲۰ چکسلواکی تا سال ۱۹۴۸ معتبر باقی ماند. در لهستان، دگرگونیهای ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۶ بر پایه قانون اساسی بورژوا - دموکراتیک ۱۹۲۱ صورت گرفت. انتخابات پارلمانی در ۱۹۴۵ و ۱۹۴۷ در مجارستان، در ۱۹۴۶ در چکسلواکی، در ۱۹۴۷ در لهستان و قبضه نخستین انتخابات دموکراتیک در بخش تحت اشغال شوروی آلمان در سال ۱۹۴۶، طبق قوانین انتخابات بورژوا - دموکراتیک با برخی تغییرات جزئی برگزار شد.

وجه مشخصه دیگر این انقلابات این است که به استثنای ج. د. آ. همه آنها در آغاز همزمان علیه دشمنان خارجی و داخلی بودند: فاشیسم و امپریالیسم آلمان یا ایتالیا، و دست‌نشانده‌گان آنها در این کشورها. این امر، میان مبارزه برای رهایی ملی و رهایی اجتماعی و قاطعیت و پیگیری اقدامات و اصلاحات رادیکال اجتماعی - اقتصادی پیوند نزدیکی برقرار کرد. مثلاً در لهستان اصلاحات ارضی از همان سال ۱۹۴۴، در آلبانی، مجارستان، شرق آلمان، چکسلواکی، رومانی و یوگسلاوی در سال ۱۹۴۵ و در بلغارستان در سال ۱۹۴۶ آغاز شد.

تقریباً در همه جا بلافاصله پس از آزادی، اموال دولت آلمان و جناحین کاران جنگی مصادره شد. کارخانه‌جات اشغالگران و معدنستان آنها توقیف شد، تحت کنترل کارگری درآمد و بعداً ملی شد (مثلاً در بلغارستان، لهستان و یوگسلاوی از همان سال ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵). بنابه خواست خلقها که تضمین‌های استواری برای جلوگیری از هرگونه تکرار رویدادهای شوم جنگ دوم جهانی می‌طلبید، از سرمایه خارجی سلب مالکیت به عمل آمد و صنایع کلیدی، موسسات مالی و بانکها در همه هشت کشور ملی شد، البته در زمانهای مختلف و اوارهای مختلف.

چنین اقداماتی در آلبانی در ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶، در یوگسلاوی و لهستان در ۱۹۴۶، در بلغارستان در

۱۹۴۶ و ۱۹۴۷، در چکسلواکی از ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸، در مجارستان از ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸، در رومانی در ۱۹۴۸ و در منطقه‌ای که امروز ج. د. آ. است، از ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ صورت گرفت.

در نتیجه، انقلابات در کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی از چارچوب همه انقلابات بورژوازی فراتر رفت، اما تا حد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت پیش رفت.

موقعیت مشخص تاریخی در تک این کشورها آنچنان متفاوت و توانمند قوای شکل گرفته در آنها و عموماً دگرگونیهای اجتماعی - اقتصادی آنچنان گوناگون بود که هیچ تعریف از مناسبات جدید و خصلت این انقلابات که مورد پذیرش عمومی باشد، ارائه نشد. این امر کاملاً طبیعی است، زیرا رژیمهای اشغالگر فاشیستی جای خود را به نظام نوین و دموکراتیکی دادند که نه به نظام بورژوازی و نه به نظام شوروی می‌ماشت. رفقای یوگسلاوی و آلبانی برای توصیف شروع جدید دولت از مفهوم "جمهوری خلق" بهره گرفتند. در سال ۱۹۴۴، کلورگی دیسمتروف از عبارت "دولت دموکراتیک خلق" استفاده کرد، در حالیکه دیگران "دولت دموکراسی نوین"، "نظام ضدفاشیستی دموکراتیک" و غیره را مطرح کردند.

به همین گونه در آن دوره از خصلت تک تک انقلابات تعریف‌های مختلفی به عمل آمد. در بلغارستان انقلاب، انقلاب دموکراتیک خلق، در چکسلواکی انقلاب ملی - دموکراتیک، و در ج. د. آ. انقلاب ضدفاشیستی - دموکراتیک اعلام شد. با گذشت زمان و انباشت تجارب، جوهر این انقلابات نیز مورد بررسی عمیق‌تری قرار گرفت. در جستجوی طرح عمومی مناسب برای همه کشورها، از عبارت "انقلاب دموکراتیک خلق" استفاده شد، اما در این عبارت نسبت به ویژگی‌های ملی تا حد زیادی تجرید به عمل آمده است و در همه جا از عبارت مؤید استفاده نمی‌کنند. علاوه بر این، مورخان نظنگاههای متفاوتی درباره محتوای آن دارند (یک گروه، "انقلاب دموکراتیک خلق" را نوع ویژه‌ای از انقلاب عام دموکراتیک می‌دانند که تحت رهبری طبقه کارگر و حزب آن پیش می‌رود و به انقلاب سوسیالیستی فرامی‌رود. به عبارت دیگر "انقلاب دموکراتیک خلق" شامل روند دگرگونی جامعه تا برپایی دیکتاتوری پرولتاریاست. برخی دیگر، "انقلاب دموکراتیک خلق" را با انقلاب سوسیالیستی یکسان می‌گیرند و معتقدند انقلاب با برپایی دولت سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا آغاز می‌شود. شرکت کنندگان در بحث معتقد بودند که "انقلاب دموکراتیک خلق" یک روند انقلاب یکپارچه و پیگیر است که از مراحل مختلف رشد و نمو دیکتی به انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا، شامل مراحل ضدفاشیستی، ضدامپریالیستی و دموکراتیک می‌گذرد.)

در واقع نیز خصلت این انقلابات رانمی‌توان در تعریف واحدی که شامل همه جوانب این پدیده فوجواض باشد، بیان کرد. در همه جا، عنصر ضدفاشیستی و دموکراتیک پیش از همه عناصر دیگر انقلاب مورد تأکید قرار داشت. در آلبانی، چکسلواکی، لهستان و یوگسلاوی، امر رهایی ملی بیش از کشورهای دست‌نشانده آلمان هیتلری، مانند

اروپای مرکزی و جنوب شرقی استفاده کرده کوشیدند دگرگونیهای اجتماعی آغاز شده را متوقف کنند.

به قدرت اصلی ائتلاف ضد هیتلری - اتحاد شوروی، ایالات متحده و بریتانیا - در کنفرانس کریمه (فوریه ۱۹۴۵) توافق کرده بودند که در بازسازی زندگی ملی - اقتصادی و برپایی چنان نظامی در اروپای پس از جنگ که "ملل آزاد شده را قادر به نابودی آخرین بقایای نازیسم و فاشیسم و تشکیل نهادهای دموکراتیک مطلوب خود کنند"، سیاست هماهنگی را دنبال نمایند. اما همین که دشمن مشترک - آلمان هیتلری - ریشه کن شد، تضاد منافع مبتنی بر نظامهای اجتماعی متفقین، بروز کرد. برای قدرتهای امپریالیستی غرب، تلاش برای متوقف کردن روند تحولات مهمتر از تعهدات آنها در قبال ریشه کن کردن فاشیسم و میلیتاریسم بود. ایالات متحده و بریتانیا مخفیانه مشی سیاسی بکلی متفاوتی تدوین کردند که نافی تصمیمات مورد توافق ائتلاف ضد هیتلری بود. وینستون چرچیل نخست وزیر بریتانیا در تلگرافی به هاری ترومن رئیس جمهور ایالات متحده در بهار ۱۹۴۵ نکراتی عمیقی نسبت به "پیشروی مسکوبه ست مرکز اروپا" ابراز داشت. در مارس ۱۹۴۶، چرچیل نطق معروف خود را در فالتون ایراد کرد که در آن او "برده آلمانی" که گویا کمونیستها در قلب اروپا ایجاد کرده بودند، سخن رفته بود. چرچیل خواهان اتحاد انگلیس و آمریکا علیه "کمونیسم شرق" شد. یک سال بعد، پرزیدنت ترومن دکترین سیاست خارجی ای را اعلام کرد که در تاریخ به نام او ثبت شده است و هدف اصلی آن حمایت از رژیمهای ارتجاعی و تلاش برای تحمیل الگوهای ضد انقلابی در کشورهای "توتالیتار" اروپا به کمک ابزارهای نظامی و اقتصادی و تحت عنوان "دمکراسی و آزادی" بود. طرح مارشال، که در تابستان ۱۹۴۷ انتشار یافت، در خدمت همین اهداف بود.

میان ایالات متحده و بریتانیا از یک سو و محافل ارتجاعی کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی، از سوی دیگر، همکاری مستقیم یا غیرمستقیمی شکل گرفت. سیاستمداران بورژوازی فعال در این کشورها و یا در تبعید به کسب مواضع کلیدی در کشور خود به کمک قدرتهای غربی و جلوگیری از تعمیق انقلاب امید بسته بودند. دولتهای ایالات متحده و بریتانیا از طرق اقتصادی و دیپلماتیک به این نیروها یاری می رساندند و برای تحمیل تغییرات مطلوب خود در ترکیب حکومتها شکل گرفته پس از اخراج اشغالگران، اعمال فشار می کردند.

ایالات متحده و بریتانیا بیشترین لجاجت را در دفاع از منافع محافل بورژوازی لهستان به خرج دادند. در سال ۱۹۴۴، سیاستمداران آمریکایی و بریتانیایی تبلیغات وسیعی پیرامون این ادعا به راه انداختند که ارگان قانونگذاری موقت کشور که در بخش آزاد شده لهستان عمل می کرد، نماینده واقعی مردم نیست و خواهان تجدید سازماندهی آن شدند، بگونه ای که تفوق محافل مهاجرت آمیز شود. آنها از به رسمیت شناختن مرزهای غربی لهستان، پذیرفتن آن به سازمان ملل و... به عنوان ابزارهای اعمال فشار سیاسی بهره می گرفتند. هنگامی که در بهار ۱۹۴۵ غیرواقع بینانه بودن این دعاوی روشن شد، وینستون چرچیل که از اتحاد شوروی انتظار پیوستن به جنگ علیه ژاپن را داشت، کوشید استلانیسلار بقیه در صفحه بعد

عامل اصلی تحولات انقلابی این بود که این دگرگونیها پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز شد. انقلابی که سوسیالیسم را از یک آرمان اجتماعی و اندیشه ای علمی به واقعیت موجود تبدیل کرده و دوران تاریخی نوین گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم را در سطح جهان آغاز کرده بود. پس از جنگ دوم جهانی، بحران عمومی سرمایه داری تحقیق یافت و وارد مرحله نویینی شد.

از دیدگاه تناسبات قوای متضاد در جهان، پیشرفت روند انقلابی در کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی توسط چهار عامل تحت تاثیر قرار گرفت. اولاً آلمان هیتلری و اقمار آن متحمل شکست نظامی، سیاسی و اخلاقی نابود کننده ای شدند. ثانیاً قدرتهای ائتلاف ضد هیتلری فاشیسم را ریشه کن کردند. در میان آنها اتحاد شوروی، یعنی یک کشور سوسیالیستی، بیشترین سهم را در پیروزی و بیشترین بار جنگ علیه رایش هیتلر را بردوش داشت. این واقعیت که راهب ملی، که خلقهای این کشورها را از نابودی مسلم نجات داد، از شرق، از اتحاد شوروی آمد، برای آنها دارای اهمیت سیاسی و معنوی بسیار بود.

ثالثاً شکست آلمان در عین حال شکستی برای آن نیروهای ارتجاعی بود که در کشورهای تحت اشغال از هیتلر و موسولینی حمایت و با اشغالگران همکاری کرده بودند. محافل دست راستی به گونه ای بازگشت ناپذیر در انتظار توده های مردم اعتبار خود را از دست داده بودند. این واقعیت که وابستگان به طبقه حاکم گداشته و در وهله اول سرمایه داران و زمینداران بزرگ، مرتکب خیانت ملی شده بودند، بر اهداف انقلاب و خواسته های توده ها تاثیر می گذاشت. احزابی که سازش کرده بودند، از زندگی فعال سیاسی حذف شدند.

رابعاً، در روند مبارزه بر علیه آلمان هیتلری و دست نشاندهان آن در جنگ پارتیزانی، همکاری میان نیروهای مختلف سیاسی شکل گرفت. از این رو هنگامی که قدرت جدید شکل گرفت و بنیانهای اقتصاد نهاده شد، وحدت ملی به حد کافی گسترده ای وجود داشت. (دو عامل سوم و چهارم در منطقه تحت اشغال شوروی آلمان عمل نمی کرد.)

این شرایطی بود که موقعیت مساعدی برای انقلابات دهه ۱۹۴۰ فراهم می کرد، موقعیتی که کمونیستها می توانستند حرکت را از آن آغاز کنند. اما نباید عواملی را که تاثیر منفی بر روندها و بر سرعت حل مسائل اجتماعی داشت، نادیده گرفت. در این میان قبل از همه باید از عقب ماندگی اقتصادی این کشورها به استغنا ج. د. آ. و چکسلواکی نام برد. علاوه بر این، جنگ که عمدتاً در اروپا جریان داشت، ویرانیهای عظیمی به بار آورده بود.

مثلاً در یوگسلاوی، خسارات ۲/۷ برابر و در لهستان ۲/۵ برابر درآمد ملی در سال ۱۹۲۸ و در شرق آلمان ۲ برابر این رقم در سال ۱۹۲۶ تخمین زده شد. در مجارستان این نسبت ۱/۹ و در چکسلواکی ۱/۲ بود. رومانی و بلغارستان آسیب کمتری دیدند اما این دو نیز تقریباً یک سوم درآمد ملی سالانه خود را از دست دادند.

و بالاخره در نخستین سالهای پس از جنگ، قدرتهای امپریالیستی ایالات متحده و بریتانیا از حقوق و اختیارات خود به مثابه اعضای ائتلاف ضد هیتلری برای مداخله در امور داخلی کشورهای

مجارستان و رومانی، مطرح بود. آنجایی که بقایای عمده فئودالیسم وجود داشت، انقلابات دارای جنبه های ضد فئودالی بود. با توجه به اینکه فاشیستها و دست نشاندهان آنها دارای پیوندهای مشخصی با سرمایه بزرگ صنعتی و مالی بودند، انقلابات در همه هشت کشور از همان آغاز خصلت برجسته ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری داشتند.

در یک باونگری تاریخی، اینک انقلابات سالهای ۱۹۴۰ به حق به مثابه شکل جدید و شروع جدیدی از گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم قلمداد و تعریف می شوند. احزاب کمونیست و کارگری حاکم بسته به شرایط مشخص در تک تک کشورها تاکید ویژه ای بر این یا آن جنبه انقلاب دارند.

در اسناد اتحادیه کمونیستهای یوگسلاوی از جنگ راهب بخش خلق و انقلاب سوسیالیستی سخن رفته است. حزب کمونیست بلغارستان قیام ۹ سپتامبر ۱۹۴۴ خلق را نقطه آغاز انقلاب سوسیالیستی می داند زیرا رفقای بلغاری می گویند قدرت دموکراتیک خلق از همان روز نخست پیروزی انجام وظایف دیکتاتوری پرولتاریا را آغاز کرد. حزب کمونیست چکسلواکی انقلاب را انقلابی ملی - دموکراتیک می داند که به فرجام رسیدن آن راه سوسیالیسم را هموار کرد. حزب سوسیالیست کارگران مجارستان بر این امر تاکید می کند که انقلاب دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی فراروید. حزب کمونیست رومانی از تکمیل انقلاب بورژوا - دموکراتیک دگرگونیهای عمیق انقلابی و پیشروی به مرحله عالی تر، به انقلاب سوسیالیستی سخن می گوید. حزب سوسیالیست متحد آلمان بر وحدت روند انقلابی تاکید می کند که در جریان آن، دگرگونیهای ضد فاشیستی و دموکراتیک، راه انقلاب سوسیالیستی را هموار و آن را آغاز کرد.

برخی در گذشته انقلابات سالهای ۱۹۴۰ را به دو شروع تقسیم می کردند، اما نه روند رشد قدرت، نه تحولات اجتماعی - اقتصادی و نه ترکیبات این دو دلیلی برای چنین مرز بندی عمیقی به دست نمی دهد.

وجه مشخصه این انقلابات دقیقاً در این است که یک روند یکپارچه و "انقلاب در حرکت" بودند. بسته به موقعیت مشخص، تاکیدات ویژه ای در تک تک کشورها گذاشته شد، اما همه این انقلابات تحت تاثیر روندهای بین المللی ای بودند که برای همه آنها مشترک بود: کشورهای سوسیالیستی، در جنبش جهانی کمونیستی و طبقه کارگر از یک سو و "جنگ سرد" از سوی دیگر.

شرایط داخلی و خارجی

انقلابات سالهای ۱۹۴۰ در خلا و جدا از روندهای پیرامون، پیش ترفت و در پیوند تنگاتنگ با پیشروی پیروموند ارتش سرخ به سوی غرب و پیروزیهای یکی پس از دیگری آن بر اشغالگران هیتلری بود. توازن قوا در جهان، به میزان زیادی تعیین کننده گسترده گی اتحادهای طبقاتی در انقلابات دهه ۱۹۴۰، پتانسیل اقتصادی و سیاسی آنها و اشکال مبارزه آنها بود، به گونه ای که صرف نظر از همه وجوه اختلاف ملی، انقلابات در این هشت کشور در واقع در یک موقعیت واحد تاریخی پیش رفت.

انقلابات اجتماعی...

بقیه از صفحه قبل

میکولایچیک رهبر تبعیدهای لهستانی در لندن را که تا اندکی پیش از آن وعده پست نخست وزیر لهستان را به او داده بود، قانع کند که هر شرایطی را برای مذاکرات با حکومت موقت لهستان بپذیرد تا بتواند "پایی در لای در بگذارد" و بکوشد در انا آخر پاؤ کند. در نتیجه توافق ۱۹۴۵ میان حکومت موقت لهستان و دولت در تبعید، چهار وزیر به نمایندگی از احزاب بورژوازی در کابینه جدید شرکت داده شدند.

ایالات متحده و بریتانیا همچنین کوشیدند مانع تحکیم نظام دمکراتیک خلق در یوگسلاوی شده، شرایط را برای احیای نظام کهنه آماده کنند. آمریکا و انگلیس به طرق مختلف تلاش کردند سیاستمداران بورژوازی را وارد حکومت کرده تفوق جبهه رهایی بخش خلق را در لحظه آزادی کامل کشور از میان بردارند. در تابستان ۱۹۴۴، لندن دست به اعمال فشار مستقیم زد و به رسمیت شناختن یوگسلاوی ضوین را موقوف به تغییر ترکیب کابینه کرد. حزب کمونیست یوگسلاوی و کمیته رهایی ملی یوگسلاوی در تلاش برای تقویت مواضع بین المللی کشور با سازی در اوایل ۱۹۴۵ موافقت کردند و شش نماینده مهاجران بورژوا را وارد کابینه که تحت ریاست ژوزف بروز تیئو بود، ساختند.

همچنین در تابستان ۱۹۴۵ ایالات متحده و بریتانیا اعلام کردند تنها زمانی حکومتی یوگسلاوی و رومانی را به رسمیت خواهند شناخت که این حکومتها تجدید سازمان یابند. آمریکا و انگلیس همچنین خواهان تغییر موقعیت حقوقی کمیسیونهای کنترل متفقین در بلغارستان، رومانی و مجارستان به منظور گسترش امکانات قانونی برای مداخله در امور داخلی این کشورها شدند. ایالات متحده و بریتانیا در گذشته نیز در امور این کشورها مداخله کرده بودند. بلغارستان اولتیماتوم را رد کرد. در ۱۹۴۶، در وزیر به نمایندگی از سوی به اصطلاح احزاب تاریخی (ملی-وزارانیست و لیبرال ملی) در حکومت رومانی شرکت داده شدند.

مجارستان نیز در معرض فشار آشکار قرار گرفت. اندکی پیش از انتخابات پارلمانی ۱۹۴۷، نماینده انگلیس در شورای امنیت به بهانه "نقض آزادیهای اولیه سیاسی" در مجارستان با پذیرش این کشور به سازمان ملل مخالفت کرد.

علیه این کشورها از ابزارهای اعمال فشار اقتصادی نیز استفاده می شد. این کشورها از جنگ آسیب جدی دیده و شدیداً به کمک نیاز داشتند.

در اوایل ۱۹۴۶، سفیر آمریکا در لهستان به ملی کردن صنایع اعراض و اعلام کرد با اعطای اعتبارهای آمریکایی به کشور مخالفت خواهد کرد. در ۱۹۴۷، بانک جهانی تحت نفوذ قدرتهای غربی از اعطای وام به لهستان خودداری ورزید. در ۱۹۴۶، بانک صادرات و واردات آمریکا به دلایل سیاسی از پرداخت وام به چکسلواکی و مجارستان خودداری کرد. در ۱۹۴۷، در پاسخ به ملی شدن اموال آمریکادر چکسلواکی، دولت آمریکا نه تنها از دادن کمک اقتصادی ای که به این کشور وعده داده بود خودداری کرد، بلکه همچنین دست به توقیف بخش بزرگی از

ذخیره طلای چکسلواکی زد که نژادیها از این کشور خارج کرده بودند و به دست ایالات متحده افتاده بود. با اینکه کلمنت گوتوالد نخست وزیر چکسلواکی با پرداخت غرامت بابت سرمایه های ملی شده موافقت کرد، ایالات متحده این ذخیره طلا را پس نداد (موضوع در سال ۱۹۸۲ حل و فصل شد).

رویدادهای انقلابی دهه ۱۹۴۰ در هشت کشور اروپای مرکزی و جنوب شرقی، در پیوند نزدیکی با نتایج جنگ دوم جهانی قرار داشت: نقش آزادیبخش اتحادشوری و پیشروی ارتش سرخ به سمت محور ویسمار - پلن - تریست. ایدئولوگهای بورژوازی کوشیدند از این واقعیت غیرقابل بحث برای اثبات این ادعای خود استفاده کنند که اتحادشوری گویا انقلاب را "صادر" کرد و این انقلابات از خارج تحمیل شده است و غیره. حتی در درون صفوف جنبش طبقه کارگر نیز سو' تفاهم ها و سو' تعبیرهایی وجود داشته است.

در این انقلابات، اتحادشوری نقش بزرگی ایفا کرد، اما سه عوامل اصلی آنها را ساخت و پرداخت و نه "این خلقها را برخلاف اراده آنها جوشخت کرد". انقلابات به اراده این و آن صورت نمی گیرند و تنها تحت تاثیر عوامل خارجی روی نمی دهند. انقلابات همواره بر شرایط عمیق ملی و اجتماعی مبتنی اند که قبل از هر چیزی افرش تضادهای آشتی ناپذیر در درون کشور مربوطه نشأت می گیرد. این دقیقاً چیزی است که در انقلابات اروپای مرکزی و جنوب شرقی روی داد. در آغاز جنگ دوم جهانی، سیاستهای طبقاتی خودخواهانه محافظ حاکم بورژوا - ملوک در این کشورها به شکست این کشورها و در نتیجه به بندگی کشیده شدن آنها توسط فاشیسم آلمان و ایتالیا انجامید. این امر برای آلبانی، لهستان و یوگسلاوی به معنای شکست نظامی و اشغال برای بوم و مورای به معنای تسلیم و اشغال و برای بلغارستان، مجارستان، رومانی و اسلواکی به معنای عضویت در ائتلاف ضدشوری و تبدیل آنها به دست نشاندگان بود.

تبدیل این کشورها به مستعمرات و شبه مستعمرات امپریالیسم آلمان یا ایتالیا به عقب گرد و جیم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در آنها انجامید. تحت این شرایط تضاد آشتی ناپذیر میان کار و سرمایه دچار تحول شد و شکل تضاد اصلی زندگی اجتماعی، تضاد میان فاشیستهای خارجی و دست نشاندگان آنها و یک سو و توده های وسیع از سوی دیگر را به خود گرفت. کرومندی نیروهای طبقاتی دچار تغییر شد. این سه اتحادشوری، بلکه امپریالیسم آلمان و ایتالیا با سیاست اقتصادی استعماری خود بودند که مبارزه کارگران، پیشه وران، دهقانان و بخشی از بورژوازی ملی ضد فاشیست بر علیه اشغالگران را تشدید کردند.

ارتش سرخ دست اندرکار پیرویهایی بود که سرنشت جنگ را تعیین کرد. در ۱۹۴۴، پیشروی ارتش سرخ به سوی مرزهای کنونی کشورهای سوسیالیستی اروپا آغاز شد. روشن شد که شکست بلوک هیتلر گریز ناپذیر است. این امر، همراه با تشدید ترور فاشیستی، قربانی ها، محرومیت ها و ویرانی های دوره جنگ، به نارضایتی، اعتراضات و مقاومت توده ها دامن زد. تضاد اصلی پیش گفته، بطور فزاینده ای تشدید شد و بالاخره به فراهم آمدن موقعیت انقلابی انجامید.

شکل گیری جبهه های رهایی بخش ملی (در یوگسلاوی در ۱۹۴۱، در آلبانی و بلغارستان در ۱۹۴۲، در چکسلواکی و رومانی در ۱۹۴۲ و در مجارستان و لهستان در ۱۹۴۴) مقطع مهمی در این راه بود. با افزایش نفوذ این جبهه ها در میان مردم، شرایط ذهنی برای فرا رویدن مبارزه ضد فاشیستی به انقلاب ایجاد شد. این اتحادشوری نبود که این شرایط را ایجاد کرد، بلکه منطبق با شرایط تحولات آنها را ایجاد کرد، منطقی که ممکن است همه به وضوح یکسان آن را در نیابند، اما همه اقشار مردم آن را احساس می کردند. این سربازان شوروی نبودند که انقلابات را به این کشورها بردند. توده های مردم این کشورها مستقلاً و با اتکال به خود عمل کردند.

سهم اتحاد شوروی در این بود که نیروهای خود را به پیش برد و با بیدار کردن خلقها، آنها را به تشدید مبارزه برانگیخت. پیروزی نیروهای شوروی بر ارتش های فاشیستی، پلیس و سایر ارگانهای سرکوب بخش بزرگی از کار تخریبی ای را که هر انقلاب باید انجام دهد، اجرا کرد. اما انجام سخت ترین وظایف انقلاب بر عهده خود مردم قرار گرفت: برپایی قدرت ضوین و ارگانهای حکومت، دگرگونی انقلابی ساختارهای اجتماعی - اقتصادی و مفاسد معنوی و فرهنگی جامعه.

در آن زمان، کشورهایی که عرصه رویدادهای انقلابی شدند، در حدود ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت داشتند. دوره فاشیسم نشان داد که می توان خلقها را برای مدتی ارباب کرد. اما نمی توان خلقها را واداشت که انقلابی انجام دهند، ارگانهای دولتی نوین برپا دارند، زمینها را تقسیم کنند، کارخانه ها و مزارع را دوباره به راه اندازند، و در اقدامات صدها هزار نفره، از ملی شدن کارخانه های متعلق به انحصارات و وابستگان به الیکارشی مالی، از اصلاح مدارس و کل نظام آموزشی و نوسازی دمکراتیک فرهنگ حمایت کنند. در حقیقت موفقیت مبارزه انقلابی و انقلابات خلقی در این هشت کشور توسط شرکت گسترده خلقهای آنها تامین شد.

هنگامی که یوگسلاوی از فاشیسم رهایی یافت، ارتش رهایی بخش ملی آن ۸۰۰ هزار نفر و سرباز داشت. در آلبانی این رقم به ۷۰ هزار می رسید و بلغارستان ۴۰ هزار پارتیزان داشت. بیش از دو میلیون لهستانی در جبهه های مختلف علیه فاشیسم می جنگیدند. قیام ملی اسلواکی در برگرینده ۸۰ هزار مبارز مسلح بود، و تقریباً ۱۰۰ هزار نفر در جریان قیام ماه مه ۱۹۴۵ خلق چک در سحرها حضور داشتند. در جریان فرار دوم ۱۹۴۶ بلغارستان، ۹۲/۷ درصد شرکت کنندگان، به محرومیت رای دادند. در ژوئن ۱۹۴۶، ۲/۷ میلیون شوروند (۷۷/۶ درصد واجدین شرایط) در ساکسونی (مقطعه تحت اشغال شوروی در آلمان) به سودمصادره بزرگ ابعاد املاک جنایتکاران جنگی و خانواده ها و تبدیل آنها به اموال خلق رای دادند. در مجارستان، کمیسیونهای اصلاحات ارضی شامل ۲۵ هزار فقر و در شرق آلمان در برگرینده ۵۰ هزار دهقان و کارگر کشاورزی و صنعتی بود. آنها نه شهروند شوروی، که یوگسلاو، اهل آلبانی، بلغاری، چک، اسلواک، لهستانی، رومانیایی، مجار و آلمانی بودند و برای نخستین بار آژادانه در اتخاذ تصمیمات اجتماعی سیاسی کلیدی شرکت کردند. بقیه در شماره آینده

گورباچف: نوسازی با قدرت ادامه می‌یابد

میخائیل گورباچف دبیرکل حزب کمونیست شوروی در پیام آغاز سال ۱۹۸۸ خطاب به مردم شوروی اعلام کرد که روند نوسازی (پرسترویکا) در کشور "که فاز نخست آن به پایان رسیده است" با قدرت ادامه خواهد یافت. در این پیام آمده است: "نوسازی امر سهل و ساده و بی‌دردی نبوده است. کهنه بدون مبارزه جای خود را به نونمی‌سپارد. ما نباید از

جا بدر رویم و از مشکلات بهراسیم". در این پیام تاکید شده است که سال تازه مقطع تعیین‌کننده‌ای برای روند نوسازی که "همه عرصه‌های مادی و معنوی کشور را در برمی‌گیرد" خواهد بود. در این پیام همچنان از دمکراتیزاسیون بیشتر جامعه و رفم اقتصادی به عنوان دو "وظیفه کلیدی" در امر نوسازی نام برده شده است.

ضربه سنگینی بر ضد انقلابیون افغانی

ارتش افغانستان در روز ۸ دی (۲۰ دسامبر) موفق شد ضد انقلابیون را در اطراف شهر خوست واقع در جنوب شرقی کابل تارومار کند و جاده اصلی مشرف به این شهر را تحت تصرف خود درآورد. ضد انقلابیون این جاده را مین‌گذاری کرده بودند. اکنون هر روزه بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ مین از این جاده جمع‌آوری می‌شود. خبرگزاری‌های غرب پس از مدتی دروغ‌پردازی ناچار شدند به این پیروزی چشمگیر ارتش افغانستان اعتراف کنند. از محاصره درآوردن شهر خوست ضربه مهمی بر پیکر ضد انقلابیون افغانی ارزیابی می‌شود.

یک موسسه سوئیسی که بزرگترین مرکز اروپایی گردآوری "اسناد" در مورد افغانستان است و به سازمانهای جاسوسی غرب در زمینه افغانستان کمک فکری ارائه می‌دهد، در اواخر سال گذشته میلادی اسنادی دال بر رونق کسب و کار

ضد انقلابیون افغانی در زمینه قاچاق اسلحه و هروئین انتشار داد. بر مبنای این اسناد - که در آنها از "مجاهدین افغانی" با عنوان "ارتش طفیلی‌ها" نام برده شده است - تنها یکی از رهبران ضد انقلابیون به یکباره ۱۶۵۰۰ قبضه اسلحه دریافتی از غرب رادر بازار اسلحه پیشاور به فروش رساند. معامله تسلیحاتی با جمهوری اسلامی یکی از مرمای درآمد ضد انقلابیون است. علاوه بر فروش موشکهای استینگر، سلاحهای دیگری نیز از طریق ضد انقلابیون افغانی به دست جمهوری اسلامی رسیده است که بر مبنای اسناد انتشار یافته در سوئیس یک مورد آن ۶ کامیون مملو از سلاحهای مختلف بوده است. اسناد مذکور نشان می‌دهند که سران ضد انقلابیون افغانی نقش عمده‌ای را در تولید هروئین در پاکستان دارند. از طریق پاکستان هر ساله مقادیر کلانی هروئین به اروپا و آمریکا صادر می‌شود.

نیکاراگوئه: ۳۰۰ کشته در سال ۱۹۸۷

وزارت دفاع نیکاراگوئه بیلائی از جنایتهای ضد انقلابیون تحت حمایت آمریکا (کنتراما) انتشار داد. به گزارش وزارت دفاع نیکاراگوئه در سال گذشته در مجموع ۷۲۰۰ نفر در کشور کشته شده‌اند که ۶۰۰ نفر آنها از ضد انقلابیون بوده‌اند. بنابر این گزارش آمریکا ۱۴۶ مورد پرواز تجسسی بر فراز خاک نیکاراگوئه انجام داده است. آمریکا در سال گذشته در خاک هندوراس برای تدارک تجاوزه نیکاراگوئه ۱۲ مانور نظامی انجام داده است که در آنها ۳۶۰۰۰ سرباز شرکت داشته‌اند.

تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری در شیلی

به گزارش خبرگزاری آسوشیتد پرس نمایندگان ۱۲ حزب و سازمان در شهر والهاریزو در شیلی گرد آمدند و با صدور بیانیه‌ای خطاب به خلق شیلی تشکیل یک جبهه ضد پینوشه را اعلام کردند. در این بیانیه گفته شده است علی‌رغم اختلاف نظرها باید تلاش متحدانه‌ای برای سرنگونی پینوشه صورت گیرد. گردهمایی شهر والهاریزو همه طیف اپوزیسیون از نیروهای محافظه کار بورژوازی تا حزب کمونیست شیلی و جنبش چپ انقلابی (میر) را شامل می‌شده است.

دلار همچنان در حال سقوط است

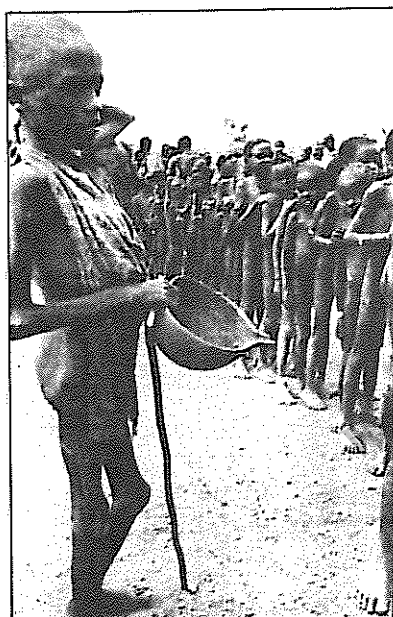
در روزهای آخر سال گذشته میلادی، علی‌رغم تلاش‌های بانکهای مرکزی کشورهای عمده امپریالیستی، دلار به رکورد جدیدی از سقوط دست یافت. در بورس فرانکفورت قیمت دلار تا حد ۱/۵۸۱۵ مارک کاهش یافت. پیش‌بینی می‌شود که در سال تازه میلادی نیز بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری - که در سال گذشته یکی از شاخصهای آن سقوط دلار بود - با شدت ادامه یابد. سقوط دلار تاکنون به بانک مرکزی آلمان ۶۲ میلیون دلار و به بانک مرکزی ژاپن بین ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلار زیان رسانده است.

در سال گذشته ۲۰۰ بانک در آمریکا کیشه‌های خود را بستند. دو بانک سیتی کرب و چیس مانهاتن برآند که ۶۰۰ نفر از کارمندان خود را اخراج کنند. اکنون رقم رسمی بیکاری در آمریکا ۷/۱ میلیون نفر است.

امید به برچیدن

موشک‌های اتمی بیشتر در سال تازه

در آغاز سال تازه میلادی در رادیو و تلویزیون آمریکا پیام میخائیل گورباچف به مردم آمریکا و در رادیو تلویزیون شوروی پیام رونالد ریگان به مردم شوروی پخش شد. در هر دو پیام اظهار امیدواری شده است که در نیمه اول سال ۱۹۸۸ قرارداد تازه‌ای برای محدود کردن سلاحهای استراتژیک بین دو کشور به امضا برسد. در هر دو پیام قرارداد به امضا رسیده در واشنگتن به عنوان یک گام تاریخی در راستای خلع سلاح جهانی توصیف شده است. در پیام گورباچف بر روی ضرورت محدود کردن سلاحهای غیر اتمی در اروپا نیز تاکید شده است. ریگان در پیام خود همچنان بر پیشبرد پروژه جنگ ستارگان (اس. دی. آی) اصرار ورزید.



گرستی در سودان
۶ میلیون نفر گرسنه و بی‌خانمانند.

اخبار کوتاه

روز اقامت در یک ایستگاه فضایی، رکورد تازه‌ای از اقامت انسان در فضا را به جاشپاد.

* رابرت موگابه نخست‌وزیر زیمبابوه به مقام ریاست جمهوری کشور برگزیده شد. پیش از این تغییر سمت توافق‌نامه‌ای بین موگابه و جوشوا آنکومو، که در اپوزیسیون قرار داشت، به امضا رسید که به جای دو حزب اتحادیه آفریقایی و اتحادیه خلقی زیمبابوه یک "حزب سوسیالیست متحد" تشکیل شد که هدف خود را "استقرار سوسیالیسم در کشور" اعلام کرده است. نام حزب تازه "اتحادیه ملی آفریقایی زیمبابوه" (جبهه میهنی) است.

* حزب کمونیست برزیل پس از ۴۰ سال ممنوعیت اجازه فعالیت قانونی یافت.

* هیات رئیسه شورای عالی خلق در یمین دمکراتیک صدور حکم اعدام برای علی ناصر محمد رئیس جمهور پیشین این کشور و ده نفر دیگر از طرفداران وی را تأیید کرد. عده‌ای از شخصیتهای دولتی و حزبی در جهان از جمله اریش هونکر رئیس شورای عالی دولتی در جمهوری دمکراتیک آلمان از مقامات یمین دمکراتیک خواسته بودند از صدور حکم اعدام برای علی ناصر محمد و طرفداران او خودداری ورزند.

* هفته‌نامه بین‌المللی "تایم" چاپ آمریکا، میخائیل گورباچف، دبیر کل حزب کمونیست شوروی را به عنوان "مرد سال ۱۹۸۷" برگزیده است.

در روز ۲۰ دسامبر رومانکو و آلکساندروف دو فضانورد شوروی به زمین بازگشتند. رومانکو ۳۲۶

کنفرانس علمی "اکتبر بزرگ و جهان معاصر"

کنفرانس علمی "اکتبر بزرگ و جهان معاصر" در روزهای ۸ و ۱۰ دسامبر (۱۷ تا ۱۹ آذر) در مسکو برگزار شد. این کنفرانس به دعوت انستیتی مارکسیسم - لنینیسم جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، آکادمی علوم اتحاد شوروی، آکادمی علوم اجتماعی و انستیتی علوم اجتماعی جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برگزار گردید. در این کنفرانس از بیش از ۶۵ کشور جهان نمایندگان از احزاب کارگری و کمونیستی و انقلابی دموکراتیک، موسسات علمی و مراکز تحقیقاتی، و نشریات علمی شرکت داشتند. یک هیات نمایندگی از سوی سازمان ما نیز در این کنفرانس شرکت داشت.

کنفرانس در جلسه ای جمعی به ریاست ک. ل. اسیرنوف رئیس انستیتی مارکسیسم لنینیسم جنب کمیته مرکزی کار خود را آغاز کرد. پس از سخنرانی مدوید دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی جلسه عمومی پایان یافت و شرکت کنندگان در سه قسمت مختلف به بحث حول سه موضوع زیر پرداختند:

- اکتبر کیرو رشد و تکامل جهانی

- اکتبر کبیر و سوسیالیسم واقعا موجود

- اکتبر کبیر و مبارزه در راه صلح و تفکر نوین سیاسی

نماینده کمیته مرکزی سازمان تحت عنوان اکتبر کبیر و مبارزه در راه صلح و تفکر نوین سیاسی به سخنرانی پرداخت نماینده سازمان در کنفرانس مژبور ضمن سخنان خود گفت: ضرورت این کنفرانس از آنجا ناشی می شود که مسائل جهان امروز فوق العاده متنوع و پیچیده و بفرنج شده است و تبیین واقعیت های جدید مستلزم برخوردی وسیع و همه جانبه است. یک چشم

فمی تواننده واقعیت ها را ببیند. تنها با مبادله اندیشه های و تجارب است که افق دید گسترش می یابد و حقایق جدید کشف می شوند... جهان معاصر با وجود همه تنوع و پیچیدگی های آن، بر بستر همان گرایش اساسی انکشاف می یابد که اکتبر کبیر آغازگر آن بود. بی تردید هرگونه برخورد عمیق با روندهای تازه دنیای کنونی مستلزم بازگشت به انقلاب اکتبر و تجارب سترگ

آن است.

نماینده سازمان در بخشی دیگری اوسخفان خود به تشریح خصلت اجتماعی - طبقاتی مبارزه در راه صلح پرداخت و اظهار داشت:

در شرایط کنونی، رسالت تاریخی طبقه کارگر بعد دیگری نیو پیدا کرده است. طبقه کارگر به موازات رهاسازی بشریت از ستم اجتماعی و ملی، نیروی محرکه اصلی در پیکار به خاطر شجاعت بشریت و تمدن انسانی از جنگ هسته ای نیو به شمار می رود. کمونیستها تاثیر متقابل بفرنج این دو بعد رسالت تاریخی طبقه کارگر را مورد مطالعه قرار داده و آموش های لازم را فرا می گیرند. ... "برای کمونیستها زندگی انسان و امکانات تکامل همه جانبه او بالاترین ارزش است.

اولویت آموش های عموم بشری و حفظ صلح ناشی از سرشت بشر دوستانه مارکسیسم است. لنین خاطر نشان می ساخت که منافع تکامل اجتماعی فراتر از منافع طبقه کارگر است. صلح شرایط مساعدی را برای پیروی جامعه نوین فراهم می آورد. صلح و خلع سلاح منابع عظیمی را آزاد می سازند و به برتری سوسیالیسم میدان می دهند. حفظ صلح به سود طبقه ای است که آینده از آن اوست. مبارزه در راه صلح در میدان فبرد دو سیستم متضاد اجتماعی جریان می یابد. این مبارزه با راستای تکامل تاریخی پیوند دارد. از این رو مبارزه در راه صلح نه تنها خصلت عموم بشری که خصلت اجتماعی - طبقاتی نیو دارد. " نماینده کمیته مرکزی سازمان در ادامه سخنان خود ضمن تشریح رابطه صلح و خلع سلاح با رشد کشورهای "جهان سوم" و ستم ناشی از وابستگی اقتصادی به امپریالیسم و نظم غارتگرانه اقتصادی جهانی، استثمار و غارت شدید دسترنج مردم میهن مان را تشریح کرد و افزود:

"جنگ های منطقه ای یکی دیگر از وجوه سیاست امپریالیسم جهانی برای سرکوب جغیش های ملی - رهایی بخش است. جنگ های منطقه ای بدون تردید برای صلح و امنیت بین المللی تهدیدی جدی به شمار می آیند. خلق ما بار سنگین مصائب هشت سال جنگ ایران و عراق را به دوش میکشد. این جنگ به قیمت جان بیش از یک میلیون نفر از مردم و نابودی بخش مهمی از ثروت های ملی دو کشور تمام شده است."

بدرود رفیق مجید!



چه جایگاه است رفتن رفیقی که تا همین دیروز، شرار از زندگی و شور، در کنارمان بود و چه تلخ است فمی که در گلو می نشیند از خبر مرگ انسانی در سنین جوانی، با یک دنیا آرزو و امید و انبوه خاطراتی که از او داری.

رفیق مجید آزادسرو، پس از یک بیماری سخت، در شهر زادگاهش، لاهیجان چشم از جهان فرو بست.

مجید در سال ۱۳۲۷ به دنیا آمد. وی که از اقوام نزدیک رفیق شهید ابراهیم آزادسرو بود، از همان دوران دبیرستان، در محافل هوادار سازمان به مبارزه علیه رژیم شاه پرداخت و به ویژه در دوران انقلاب یکی از چهره های برجسته جوانان مبارز شهر بود، بطوریکه یکبار توسط رژیم شاه دستگیر و به طرؤ وحشیانه ای مورد شکنجه و ضرب و شتم قرار گرفت. وی پس از انقلاب بهمن از مسئولین جوانان پیشکام لاهیجان بود.

در سال ۱۳۵۹ رفیق مجید برای

ادامه تحصیل راهی خارج از کشور شد و در رشته الکترو فیک دانشگاه صنعتی برلین غربی به تحصیل پرداخت. او به موازات پیشبرد موفقانه امر تحصیل، وظایف مبارزاتی خویش را نیو با جدیت و شوره انجام می رساند.

رفیق مجید آزادسرو که به بیماری سرطان مغز دچار شده بود، در آذرماه در شهر لاهیجان دیده از جهان فرو بست.

رفقا و دوستان مجید در ایران و در خارج کشور، همه آناهایی که او را دیده اند، یاد و روحیه شاد و سرزنده اش را هیچگاه فراموش نخواهند کرد. ●

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	شش ماهه	شش ماهه	شش ماهه
۱۳ مارک	۱۱ مارک	شش ماهه	شش ماهه	شش ماهه	شش ماهه
۲۴	۲۱	یک ساله	یک ساله	یک ساله	یک ساله

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	شش ماهه	شش ماهه	شش ماهه
۳۰ مارک	۲۷ مارک	شش ماهه	شش ماهه	شش ماهه	شش ماهه
۵۸	۵۲	یک ساله	یک ساله	یک ساله	یک ساله
۱۱۵	۱۰۲	یک ساله	یک ساله	یک ساله	یک ساله

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 189
MONDAY, 4 JAN, 88

حساب بانکی:
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address: RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید